



اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره برگزاری پلنوم شهریور ماه ۶۷

خودا بقا کرد. پلنوم همچنین پیام مهمی
جداگانه ای خطاب به زندانیان سیاسی ایران، خطاب
به حزب کمونیست و سایر نیروهای مترقی عراق
در حمایت از خلق کردها و خطاب به حزب کمونیست
و حزب کارگری ترکیه در پشتیبانی از رفقا کولتسو و
سارگین ما در کرد.

دبیرخانه کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
اول مهر ۱۳۴۷

رژیم، تا مین دمکراسی و تضمین صلح مبارزه کنند،
مریخا نام برده شده است.
پلنوم همچنین فعالیت هیات سیاسی در قاصه
دوبلنوم را مورد نقد و بررسی قرار داد و با صدور
قطعاتی مهمی در باره برخی از مهم ترین مسائل
ورخداهای زندگی درون سازمان طی یک سال
اخبار آنها را نظر کرد.
مهم ترین عرصه کار پلنوم اتخاذ تصمیمات در زمینه
تدارک نخستین کنگره سازمان بود. پیرو تصمیمات
پلنوم های مهر ۶۳، فروردین ۶۵، مهر ۶۶ اکنون
در پلنوم شهریور ماه ۶۷ کاملاً مشخص گردید
برگزاری کنگره به پیش برداشته شده است. پلنوم
شهریور ماه، بررسی و تصویب پیش نویس طرح برنامه
سازمان را در دستور کار سیاسی پلنوم کمیته مرکزی
تعیین کرد. در پلنوم تصمیمات دیگری نیز در عرصه
های مختلف زندگی سازمانی اتخاذ گردید.
در پایان پلنوم ارکان های دستگاه رهبری سازمان
را با همان ترکیب قبلی در مسئولیت ها

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
اکثریت در نیمه دوم شهریور ماه سال جاری تشکیل گردید
و با درود بر خا طره رفیق کیمیا نوشیروا و لطفی و رفا
فرا مرزوفی، عمر براسی و عارف خلیفه زاده و
با درود بر دیگر شهدای قهرمانان سازمان و جنبش کار
خود را آغاز کرد. دستور کار پلنوم شهریور ۶۷ قرار
بررسی گزارش هیات سیاسی به پلنوم کمیته
مرکزی در باره اوضاع سیاسی کشور و موضوع ما
- بررسی گزارش فعالیت هیات سیاسی بیامون
مهم ترین مسایل و اظهار نظر در باره آن
- اتخاذ تصمیمات ضروری در رابطه با تسهیل
برگزاری نخستین کنگره سازمان
پلنوم پس از بحث روی گزارش هیات سیاسی
" بیامون اوضاع سیاسی کشور و جهان " آن را با
اصلاحاتی مورد تصویب قرار داده و قرار
ما در کرد. در این گزارش تحولات اخیر اوضاع کشور
و سمت آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و از
نیروهای که می توانستند در یک جبهه وسیع با هدف سرنگونی

گزارش سیاسی پلنوم شهریور ماه ۶۷

پیرامون اوضاع سیاسی ایران و جهان

و غرب و یک پیروزی بزرگ برای مدافعان صلح جهانی است.
تحول فوق العاده مهم دیگر در این دوره، برقراری آتش بس میان
دو کشور ایران و عراق بر اساس قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل است. اما جنگ
هشت ساله، خلیج فارس را به یک کانون انفجاری بدل کرده بود. با قطع جنگ
این امید وجود دارد که منطقه خلیج فارس آرامش یابد و خطری که تشنج و فاع
منطقه برای صلح جهانی فراهم می کرد، برطرف شود. پس از قرار داد واشنگتن
قطع جنگ ایران و عراق بزرگ ترین دستاورد میانه رز برای کاهش تشنج جهانی
در یک سال گذشته است. برای تکمیل این پیروزی و استقرار صلح پایدار میان
دو کشور ایران و عراق، تلاش و مبارزه صلح خواهان باید ادامه یابد.
در جریان جنگ، در آغاز سال گذشته دولت ریگان با دستاویز قرار دادن
حملات نیروهای مدام و مخیمتی علیه خطوط کشتیرانی در خلیج فارس تا وگان
عظیمی را روانه این منطقه کرد. علاوه بر آن توافق دول نا تورا نیز جلب کرد که
با اعزام نا وگان خود به خلیج فارس، با ماجراجویی های نظامی امپریالیسم
آمریکا در خلیج همراه شوند. در تاریخ مداخلة نظامی ۴۰ ساله آمریکا در خلیج
فارس، حضور چنین نا وگان عظیمی بی سابقه است. حضور و مداخلة نیروهای
نظامی آمریکا و متحدان نا تویی آن عامل افزایش تشنج در منطقه است. با یاد
همه نیروهای خارجی به فوریت از خلیج فارس خارج شوند و برقراری امنیت
کشتیرانی در خلیج فارس باید بر عهده کشورهای منطقه قرار گیرد.
رویداد بسیار مهم دیگر این مدت، قیام یکبارچه خلق فلسطین علیه
اشغالگران اسرائیلی و برای اخراج آنان از مناطق اشغالی و تشکیل دولت
مستقل فلسطینی در آن مناطق است. در حال حاضر قیام با پشت سر گذاشتن
ما هیا، همچنان ادامه دارد. قیام دلبران خلق فلسطین به چنان سطحی
فرا رویداده است که در مقوف صهیونیست ها و اشغالگروا میان آنها اخلاقیاتی
بقیه در صفحه ۲

اوضاع جهان :
رویدادهای سیاسی برجسته جهان در سال گذشته :
رفقا!
جهان در یک سال گذشته شاهد تحولات و رویدادهای بسیار مهم و در مواردی
دارای اهمیت تاریخی بوده است. شاخص ترین رویدادهای جهان در این مدت
عبارتند از: قرار دادن شوروی و آمریکا برای کاهش سلاح های هسته ای،
استقرار آتش بس بین دو کشور ایران و عراق، تجا و نیروهای آمریکا بسوی
متحدان نا تویی آمریکا به خلیج فارس، قیام یکبارچه خلق فلسطین،
بیشرفت های تعیین مشی آشتی ملی در برخی از مناطق متشنج جهان، بیشرفت
روند نسبی در اتحاد شوروی، چین و تعدادی از کشورهای سوسیالیستی جهان.
در نیمه دوم آذرماه ۶۶ تلاش های پیگیرانه اتحاد شوروی، دیگر کشورهای
سوسیالیستی و همه نیروهای صلح دوست جهان در کشورهای سرما یه داری بسا
انعقاد قرار داد واشنگتن بین سران اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا وارد
مرحله جدیدی شد. طبق قرار داد واشنگتن، موشک های میان برد کوتاه ه
هسته ای آمریکا و اتحاد شوروی نابود خواهند شد. عقد قرار داد فوق، راه پیشروی
جهان به سوی محو کامل سلاح هسته ای را هموار کرده است، نیروهای مدافع صلح
جهان موفق شدند که معاف فل نظامی گرای امپریالیستی را به عقب شینی وادارند.
دیدار واشنگتن نقطه عطفی در بهبود مناسبات بین المللی و روابط شرق

پیامهای پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) :

- به زندانیان سیاسی ص ۷
- به حزب کمونیست عراق و جبهه نیروهای ملی و مترقی کردستان عراق ص ۸
- به کمیته مرکزی حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه ص ۷
- پیامها و فراهخوانیهای کمیته مرکزی سازمان
- پیام کمیته مرکزی سازمان به یزد و کوئینار دبیرکل سازمان ملل متحد ص ۷
- پیام کمیته مرکزی سازمان به اعضاء و هواداران سازمان در خارج کشور ص ۷
- فراخوان کمیته مرکزی سازمان به آزادیخواهان ایران : ! زندانها را بخون کشیده اند، بیا خیزیم ص ۷

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

گزارش سیاسی ...

بیدار آورده است. سال گذشته آمریکا بی همتا طرح دادن " خود مختاری محدود" به فلسطین را ساکن در سواحل غربی رود اردن را پیشنهاد کرده بودند. هدف آن طرح واکتورهای سیاسی و دیپلماتیک اخیر محافل غربی، فروتنانه شدن شعله های قیام است. حل مسأله فلسطین در گرو تشکیل دولت مستقل فلسطین در مناطق اشغالی تحت رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین و شناسایی متقابل دولتین فلسطین و اسرائیل است. در این راه باید کنفرانسی بین المللی با شرکت همه طرف های درگیر در مسأله فلسطین و زیر نظر سازمان ملل تشکیل شود.

در یک سال گذشته می آشتی ملی در مناطقی از جهان که در آتش تشنج می سوخت، راه پیشروی خود را با همه دشواری ها گشود، اینکارات مسئولان محافل دولتی این کشورها و کشورهای سوسیالیستی راه مذاکرات طرفین درگیر در این جنگ ها را باز کرد. در بریتانیا ست با زکریا ندن ملج به این کشورها و متحد کردن همه نیروهای میهن پرست به خاطر تامین بیشتر صلح آمیز ملی، مذاکرات طرفین درگیر در افغانستان به عقد قرار داد و توانا میسر در گام مروج نیکی را گویه و آننگولا بیشترت های معینی حاصل شد.

در افغانستان مذاکرات پیرامون عادی سازی اوضاع در ۲۵ فروردیس ۶۷ به انعقاد قرار داد و توانا میسر. در اجرای این توافق، نیروهای شوروی را با زکنت به میهن خود را در پیش گرفتند. پس از قرار داد دژنو، دولت شوروی و افغانا ست در اجرای مسئولانه این قرار داد همه تلاش های خود را به کنسور گرفتند. و به تبعهات خود عمل کرده و می کنند. در حالی که هرگز کاری با کستان و آمریکا در برابر قرار می صلح ملی! ادامه یافته است. در اثر این خیابکاری ها، حملات جنا پیکار را ضد انقلاب افغان که با مدرن ترین سلاح های آمریکا و پاکستان تجهیز شده اند، به شهرها و روستا های افغانا ست از فرآیند یافته است. موک با ران شهرها توسط ضد انقلاب افغانا ست، تا کنون صدها کشته و زخمی سر جا گذاشته است.

در آننگولا، مذاکرات برای پایان دادن به تجاوز آفریقای جنوبی و جنگ داخلی! ادامه دارد. در این مذاکرات کوبا و آننگولا آمریکا و آفریقای جنوبی شرکت دارند. در حال حاضر سرخوچ نیروهای آفریقای جنوبی و کوبا بیس آننگولا و استقلال نامی بی، توافقی های مقدما تی حاصل شده است.

رغنا!
طی یک سال گذشته روند نوسازی در آنجا دشواری و برخی کشورهای سوسیالیستی با ادامه و بعدا متعاقب همجان ادامه یافت. در آنجا دشواری روند نوسازی با تشکیل کنفرانس نوزدهم حزب کمونیست آنجا دشواری، به نقطه عطف مهمی دست یافت. کنفرانس فعالیت به ساله حزب کمونیست آنجا دشواری در زمینه نوسازی کنسور بررسی نمود. تحارب اندوخته شده نوسازی در سه سال گذشته، با نوسازی ساختار سیاسی کنسور در دستور قرار داده بود. مهم ترین مسأله ای که کنفرانس می با یست حل کننده همین بود. کنفرانس به این نتیجه دست یافت که پیشروی نوسازی در کوبا نوسازی ساختار سیاسی کنسور است و بر این پایه تصمیم گرفت که شورای عالی آنجا دشواری توصیه کند در آن وقت در تانسون اساسی کنسور تغییرات مناسب را در جهت تحقق کامل همه قدرت به شهرها و خود گردانی سوسیالیستی خلق وارد کند، با این با ن سال جاری مباحثات ساختار جدید شکل بگیرد. در عین حال کنفرانس این نظر فحای طرح مریح نظرات متشوع مخالف و میا دله آزادانه عقاید در مقایسه با همه معام عالی این حزب در دهه های گذشته بی نظیر بود.

در بین نوسازی با تشکیل کنگره سیزدهم حزب کمونیست چین در آبان ماه ۶۶ وارد مرحله جدیدی شد. کنگره شوروی ویراتیک ساختن سوسیالیسم در چین را نقادانه بررسی نمود در سیاست خارجی کنسور اصلاحاتی کرده در راستای منافع صلح جهانی و بیست مناسبات این کنسور با سایر همزیستی مسأله امت میز با همه کشورهای جهان به ویژه کسترش همکاری ها با کشورهای سوسیالیستی می با شد.

روند نوسازی در برخی دیگر از کشورهای سوسیالیستی با آهنگ و بزگی های خود در حال پیشروی است.

رویدادهای سیاسی برجسته جهان در یک سال گذشته بی انکرات است که طی این مدت جهان در مجموعه خود در جهت گام های تشنج سیر کرده است. نتایج دیدار سران آمریکا و شوروی در واشنگتن و مسکو، قطع جنگ ایران و عراق، انعقاد قرار داد دژنو درباره مسایل مربوط به افغانستان و بیشترت روند متعاقب ملی در برخی دیگر از مناطق متشنج جهان، مهم ترین نمونه های روند گام های تشنج یک ساله اخیر بوده است. این روند تحت تاثیر الزامات جهان معاصر در برپوش کسترش واقع بینی در سیاست آنجا دشواری برپا به نوا ندهی سیاسی و ناتوانی آمریکا لیست ها در برهم زدن توازن قوا در مناطق متشنج و در مجموع جهان سه سود خود و فتنای بر نیروهای صلح دوست جهان میسر گردیده است. روند گام های تشنج در عین حال بیباک و مومید افزاین نقش و کارایی سازمان ملل متحد در حل و فصل معضلات سیاسی بین المللی در جهان امروز است.

اوضاع سیاسی کشور

صلح با بیدار، خواست همگانی

رغنا!
در فاصله دو بیست و یکم و جنگ و درگیری های درون هیات حاکمه، و خامست اوضاع اقتصاد کشور، ناراضا بی و اعتراض مردم، سرکوب و احتشاق، سرمنشاء مهم ترین رویدادهای کشور و جامعه بودند. در این میان، تحولات جنگ به لحاظ اینکه بر همه عرصه های حیات کنسور تاثیر می گذارد، شایسته توجه و بررسی ویژه است.

در این فاصله مهم ترین تحوالتی که در کنسور روی داده است، پذیرش صلح نامه ۵۹۸ و آشتی بی، از سوی جمهوری اسلامی بود که دارای اهمیت فوق العاده است. بیست و نهمت سال ادامه فاجعه جنگ و فتنان شدن زندگی بیش از یک میلیون انسان بی گناه دوشکور، پس از برپا رفتن صدها میلیار دشت و تلی دوشکور و بران شدن چند هزار روستا و شهر، پس از قربانی شدن هزاران زن و کودک با بیب های شیمیایی و موک با ران جنا پیکارانه شهرها توسط دورژیم، سرانجام در ۲۷ تیر ماه ۶۷ خمینی جنا پیکار به دلیل بیست رسیدن ما شن جنگی شان وزیر فتنار مردم ایران و نیروهای صلح دوست جهان را نوزاد قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ با یک سال تاخیر صورت گرفت. تاخیر یک ساله سه نوبه خود معانی را به مردم دوشکور تحمیل کرده که تا نقل سلیم و دروای اجناس مسئولیت در برابر سرنوشت مردم و کنسور، حل و کسری از آنجا کاملاً امکان پذیر

بود. در این فاصله، آتش جنگ در همه جبهه ها همچنان شعله ور بود. در آستانه سال نو، دورنظر آنکیز جنگ شهرها، به گشتار روزانه صدها نفر و بیرونی صدها تن مسکونی و مسوفا آنجا میسر. در این فاصله، بسیماران و خشیانه طلیحه با سلاح شیمیایی توسط صدام، به مرگ جانگذا ز پنج هزار زن، مرد و کودک آنجا میسر و هزاران نفر در گریز زخمی کرد. با عادی شدن و حتی گریزهای خمینی و صدام فقط با حنا با ناز ریفا با خشیست ها قابل قیاس است.

انرا متعاقب خمینی از پذیرش قطعنامه، دهها هزار تن انسان دیگر در قوا و شلحه و در سایر جبهه های جنوب و غرب کنسور قربانی جنون جنگ طلسمی خمینی و مقابله به مثل و خشیانه صدام شدند. اکنون سران رژیم با پدپا سخ دهنده گام این جنگ بلیدر ادامه دادند و حراجیک سال از پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ امتناع کردند. چرا خون دهها هزار تن دیگر را سرخا کر ریختند؟

با طبعیت می توان گفت که اگر جمهوری اسلامی در وضعی قرار نگرفته بود که آینده آن در اثر ادامه جنگ در اینها م فرورود و امکانا ت لازم برای ادامه جنگ را در اختیار داشت، سران رژیم این جنگ تپیکارانه را ادامه می دادند. اعترافات خمینی در توجیه پذیرش قطعنامه نیز این حقیقت را اثبات نمود. این اظهارات اثبات کرده خمینی در تپیکاری و جنایت تا آنجا پیش رفت است که پذیرش خواست ۵۰ میلیون هموطن ما و صدها میلیون مردم صلح دوست جهان را با نوسیدن زهر بر امری گیرد. ادامه ده جنگ بزرگ ترین جنایت خمینی و هم دستا تن علیه مردم ایران بوده است. آنجا با پدپه خا طرا رنگا با جنایات جنگی و تپیکاری های بی شمار دیگری به محاکمه کشیده شود و محازات کردند.

پذیرش قطعنامه از سوی سران رژیم از سوی اجبار صورت گرفت نه بر پایه اعتقاد آنها به صلح، زیرا ما هیات فیل از آن اوضاع جنگ به طور اساسی در جهت زبان رژیم تغییر کرده بود، استراتژی رژیم در اشغال قدمه قدم خاک عراق شکست خورده بود، رژیم امکانا مقابله با تعرض عراق را از دست داده بود. و محبوره که بسیاری از مناطقی را که با دادن هزار قربانی اشغال کرده بود، رها کند. این وضعیت توان و روحیه رژیم نیروهای صلح را بطور چشم گیری کاهش داد و در عین حال اعتراض علیه جنگ را تشدید کرد. تا رفا بی هوا اعتراض علیه سیاست ادامه جنگ بویژه طی ما هیات اخبر در نیروهای صلح ربه است.

فرونی گذاشت و در بسیاری موارد بصورت تهر دو امتناع از اجرای فرامیسن نظامی، ترک جبهه ها، دو را فکندن سلاحها، عقب نشینی و برپه زدن گیسری ظا هر گردید. این امر رژیم را در وضعیت دشواری قرار داد اما مکان واکنش مقابل را از رژیم سلب کرد. همچنین اعتراضات مردم علیه جنگ بویژه در دوره موک با ران شهرها توسط رژیم صدام اما عادی با سبقت یافت و آشکارتر از همه سران رژیم را تا مچ قرار داد، در هیت حاکمه با زتاب با فست. علاوه بر آن وضعیت فلاکت با اقتصاد کشور طبیعتا نمی توانست پشتوانه لازم برای ادامه جنگ باشد. روند ادامه جنگ با بلع شدن اقتصاد کنسور همراه اوضاع به گویای آن بوده که در هیت حاکمه هر اس از ادامه جنگ بیدار مدهور و زخمسار بستری از مسئولان رژیم خود را تا جاری دیدند که به خواست صلح طلسم مردم کردن نیند. تحت تا شعروا عمل فوق تشدیدتار بین المللی، خمینی به قطع جنگ نداد. چرا که راه دیگری در برابر خود نمی دید. ادامه جنگ نیروی عظیم تری را علیه رژیم سبج می کرد.

روند جنگ به نایار به دست کشیدن از جنگ از سوی هیات حاکمه می انجامید. ما با رها تا کید کرده بودیم که هر چند سران رژیم بر ادامه جنگ امر را روز نند و آن را طوائلی تشکند، اما کانات برای ادامه جنگ محدود و محدود می شود. رویدادهای صحت این ارزیابی را اثبات کرد. سه خمینی و نه هیچ کدام از سران رژیم قادر نبودند این روند را متوقف کنند. بر این اساس پیش بینی می شد که رژیم تسلیم مردم شود و عملا از ادامه جنگ بازماند. تصمیم ناگهانی خمینی به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ قبل از هرگز به سیر اوضاع در جبهه ها و با واضع آمنت رژیم و هر اس از آینده رژیم مربوط می شود.

تسلیم خمینی یک پیروزی بزرگ برای نیروهای صلح دوست ایران و جهان است. در اثر مبارزه مردم ما و حنا بیست نیروها و معامع بین المللی صلح دوست ایران، چشم انداز صلح در برابر سبج بلا کشیده ما و کنسور همسا به عراق کششود می شود. اهرای تیره مرگ از آنجا میمن منطقه کناری می رود. تا مدتی مردم از تسلیم خمینی و همستان جنگ افروزا و با انتقادات مواخذه گرا شده ان علیه سران رژیم همراه شده است. اعترافات خمینی در هنگام توجیه تاخیر سبج ساله در پذیرش آشتی بی، نه تنها کمترین اعتبار و احترامی در مردم پرتیانیگفته بلکه بر عکس، خشم و شامت بوده ها علیه این جنا پیکار را در مان زده است. طابعت آنجا از سوی مردم حتی در میان پیروان حزب الهی نیز بیزششوال رود. مردم از سران رژیم سئوال می کنند چرا صدها هزار نفر قربانی کرده و ایران را به ویرانه تبدیل کرده اند، خمینی و جنگ افروزان در معرض بسا ز خواست توده ای قرار می گیرند.

پذیرش قطعنامه از سوی جمهوری اسلامی، روحیه مبارزاتی مردم را بسالا برده است. شکست رژیم، در دست یابی به اهدافش در جنگ، تو خالی در آمدن شعارهای " جنگ است تا پیروزی"، فتح کربلا و قدس" و غیره، دشمنان توده های میلیونی را به ما جنگ تپیکار با خمینی و ناتوانی رژیم در پاسخ گویی به سبج نیا زهای مردم، باز کرده است. سران رژیم سال ها تلاش کرده بودند که در تصور مردم این اندیشه را که کسی را برای مقاومت در برابر خواست های آشتان نیست و هر چه را که بخواهند، بدست می آورند، حاکم کنند. در فاصله کوتاهی این تلاش های چند ساله یونانی از کار برد آمد و مردم با چشمان، با زویا تجربه مستقیم خود دیدند که چگونه سران رژیم که همیشه تلاش می کردند خود را قدر قدرت نشان دهند، آشفته، سردرگم و درمانده شده اند و از آینده رژیم منط بویه هر اس افتاده اند. توجه اکیده این تحول در روانشناسی مردم برای ارتقای آگاهی و سازمان دادن مبارزه را تا ن داری اهمیت بسیار زیاد دوجی است.

رغنا!
با تلاش همگانی در راه صلح، چشم انداز صلح در برابر میهن ما گشوده می شود. اما تا دستیابی به صلح با بیدار هنوز راه درازی با بدهی شود. مواضع استقرار صلح با بیدار هنوز وجود دارد. چرا یکی از مدام که با هدف کسب امتیاز بیشتر در مذاکرات و نیز تحکیم موقعیت خود در میان عرب صورت می گیرد، استقرار صلح با بیدار بین دوشکور را به خطری اندازد. علاوه بر اخلاطگری صدام، در هیت حاکمه ایران نیز هنوز نیروهای موجود اند که نوزدها تن نوزخواهان ادامه جنگ هستند و پذیرش قطعنامه را فریضتی برای نفس تازه کردن می دانند. از این رو با بدهمجان بر ضرورت تأمین همکاری همه سازمانها و شخصیت های صلح خواه کنسور در راه دستیابی به صلح با بیدار بین دوشکور و کارهای در منطقه تا کید نمود در راه آن تلاش کرد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه تحقق هر چه سریع تر صلح با بیدار، امتناع قرار داد صلح بین دوشکور، هرگونه تعلل و اخلاط در اجرای قطعنامه ۵۹۸ از سوی هر کنسور را قاطعانه محکوم کرده است و از هموطنان می طلبد که در راه درهم شکستن تلاش های محافل جنگ افروز در هیت حاکمه، مبارزه را شدت بخشند.

ما از تلاش های دبیرکل سازمان ملل متحد و شورای امنیت در برابر قرار

ملح یا بیدار فاطمه حاکمیت می کنیم، و ادامه بیکپیرانه این تلاش ها را تا حصول ملح و حل و فصل اختلافات دو کشور از راه های سیاسی قوی طلب می کنیم.

نیروهای نظامی خارجی با بیدار فاطمه خلیج فارس بیرون بروند.

موقعیت منطقی و ربه تضعیف گذاشت و رفسنجانی نقش مهمتری در اداره کشور یافت.

تحول با اهمیت دیگر این دوره، انتخابات مجلس سوم و نتایج ناشی از آن بود. تدارک برگزاری انتخابات با افزایش های گسترده و تصفیه های پر دانه همراه گردید. جریان طرفدار دولت با بهره گیری از پیش و پوز وزارت کشور در برگزاری انتخابات و استفاده از فتوای های خمینی در حمایت از دولت و مجلس، راه پیروزی بر رسالت را هموار کرد. در جریان تدارک انتخابات وزارت کشور با تصفیه وسیع فرما تدارک و استناد از و با جلوگیری از اعمال نظارت شورا و نگهبان بر انتخابات، زمینها بجا دمجلس یک دست و هما هنگ با دولت و رفسنجانی را از قبیل میا کرد. در نتیجه جناح رفسنجانی و دولت حمایت قاطع خمینی نقشه رسالت برای قیامه مجلس و قیامه کامل دولت را بهم ریخت و موقعیت برتر خود را در هیات حاکمه تثبیت نمود.

مجموعیت فعالیت انتخاباتی احزاب و مما تحت انتمه جمعه از تبلیغات انتخاباتی، در کنار تضعیف شورای نگهبان توسط فتاوی خمینی و تصفیه های وزارت کشور، به شکست جریان رسالت انجامید. هر چند موقعیت جناح رسالت در هیات حاکمه بدین حال این تحولات ضعیف تر از گذشته شده است، اما این جریان همچنان جناح اصلی قویب در درون حکومت بوده و از بنیه اقتصادی و مالی سیاسی نیرومند و موقعیت اجتماعی و سیاسی قابل توجهی برخوردار است.

تحول با اهمیت دیگری که در جریان انتخابات اتفاق افتاد، اشعاب در "روحانیت مبارز تهران" و شکل گیری جریان جدیدی در هیات حاکمه است. "بیت امام" از اشعاب در "روحانیت مبارز تهران" و "بیت امام" یا "بیت امام" این جریان، با هدف تضعیف رسالت حمایت کرد. این جریان که با چهره های چون محتشمی، خوشینی ها و برخی از متوسبین "بیت امام" مشخص می شود، می گویند با کمک شرا های در دفاع از "مستضعفان و محرومان" و با تبلیغات فدا میکانیکی خود چهره آزادی کشنده کمونیستی و پان اسلامستی را بنهسان سازد. شکل گیری این جریان در هیات حاکمه، فتا های درون رژیم را بنیج تر از گذشته می کند. اکنون هیات دولت جمهوری اسلامی به دلیل بروز حادثه در هیات حاکمه و درگیری جناح های حکومتی در آن از کار مانده است.

تشکیل "مجمع تشخیص مصلحت" به دستور خمینی، تحول دیگری در مبارزه در جناح بود. از سالی قبل اختلاف منافع در جناح خود را در تصویب قوانین مربوط به اصلاحات اقتصادی - اجتماعی بروز می داد. دو مومبات مجلس شورای نگهبان در این عرصه ها تقیض یکدیگر بود. دولت برای اداره جامعه سرمایه داری ایران نیازمند خروج از بن بست قانون گذاری بود. دولت در این حال از تصویب بیشتر از حد این گونه اصلاحات و تا نیران در گسترش نارضا پتی مردم و طغیان آنها احساس خطری کرد. مها رنا رضای پتی مردم، فقدان قوانین ضروری برای دولت به بن بست منازعات مجلس شورای نگهبان، مشکل راه با می رسانده بود که راه حل می طلبید. صدور فتاوی خمینی در حمایت از دولت و مجلس در برابر شورای نگهبان و رسالت و تشکیل "مجمع تشخیص مصلحت" به دستور او، پاسخ به معطل فوق بود.

با تشکیل "مجمع" در بهمن ماه ۶۶، قدرت و توی شورای نگهبان در مورد قوانین موبه مجلس تضعیف شد و مرجعیت در قانون گذاری رسما به "مجمع" تشخیص مصلحت" تفویض شد. با این تحول، مواضع رسالت در هیات حاکمه آسیب تازه ای دید.

فتاوی ۱۷ بهمن خمینی در تشکیل این مجمع، عملا تجدید نظر در اختیار شورای نگهبان در قانون اساسی جمهوری اسلامی است. این تجدید نظر یکی از خواسته های رفسنجانی برای تجدید حقوقی شورای نگهبان بود. برای درک اهمیت این واقعه، باید یادآوری کرد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی شورای نگهبان مرجع عالی تشخیص رعایت شرع در قوانین کشور و پادار نظارت دین بر این قوانین است.

هم تشکیل این ارگان و هم صدور فتاوی خمینی در حمایت از دولت و مجلس، موبدان است که برای خمینی آنچه مصلحت نظام و برای حفظ جمهوری اسلامی ضروری است. شریقی قلمداد می شود. این امر میدان عمل قضاستی و فتاویست است. منتهی در بدوی مستثنی بر احکام فقه در کشور داری را تنگ می کند و تطبیق بر مقتضیات جامعه سرمایه داری ایران و نیاز داره آموزشی کشور را هموارتر می کند.

خمینی فتاوی فوق را با تکیه بر اینکه حکومت اسلامی، حکومت مطلقه و از راه احکام الهی است و بر جمیع احکام فرعی الهی تقدم دارد، بنا بر نمود خمینی تلاشی می کند که تکللات را از سر راه رژیم بردارد و بدین گونه استبداد مذهبیه تضعیف شود یا کنا رکذاسته شود. به همین دلیل او بر استبداد مذهبیه حکومت مطلقه فقیه، تاکید می کند و آن را با حکومت مطلقه الهی هم طرا ز کرد. این تلاش های خمینی گره برای تخفیف فتا در و بنای عقب مانده با الزامات سرمایه داری است. اما فا در به حل این تضاد نیست.

خمینی با تکیه بر نقش ویژه و اتوریته خود در میان پیروانش در موقعیتی بود که می تواند رگروری های "بالا" را موار کند و نیازها را موقتاً تخفیف دهد. در این زمینه هیچ کدام از سران رژیم با او قابل قیاس نیستند. امروز نیز خمینی در اتخاذ سیاست های رژیم و کنترل درگیری های درون حکومتی نقش کلیدی دارد. نقش ویژه ای که او در روند جنگ ایفا کرد، یک بار دیگر اثبات نمود علی رغم آنکه جمهوری اسلامی قائم به او نیست، اما او هنوز حرف آخر را می زند. او هنوز بیشتر از هر چهل حکومتی همه پیروان ولایت فقیه را متحد می کند. در نتیجه اکنون که او در راه گور پیش می رود، این امکان که اقتدار ولی فقیه بعد از خمینی تضعیف شود، واقعی و دارای زمینه عینی است. رژیم ولایت فقیه نه تنها با خلق در تضاد است، بلکه با الزامات سرمایه داری نیز در تضاد دوتنا قضا قرار دارد. رو بنای سیاسی، ایدئولوژیک، فرهنگی، حقوقی حاکم کنونی، رو بنای قرون وسطایی و عقب مانده است. تسلط دین و استبداد فردی و مذهبی در اداره دولت، کشور و جامعه، منابر بیانات بعد سرمایه داری است. عدم تطبیق رو بنای حاکم رژیم سرمایه داری با معاصر یکی از ریشه های تناقضات و تضادهای دامنه دار در هیات حاکمه کنونی است. مجموعه عوامل فوق، یعنی تضاد رژیم با خلق و نیز تضاد فتاوی با الزامات سرمایه داری از یک سو و تضادهای درون رژیم از سوی دیگر و عملکرد متقابل این دو دسته تضاد بر یکدیگر به ویژه در غیاب نقش مها رکننده خمینی باعث خواهد شد که در چشم انداز نزدیک، بحران رژیم گسترش یابد.

درباره رژیم های احتمالی

رژیم در صورت فتاوی خمینی تا امروز رژیم نتوانسته است در راه انجام اصلاحات اقتصادی و اجتماعی قدمی بردارد. علت این امر قبیل از هر چیزی سه ادا به جنگ مربوط بوده است. تا مادامی که بسیج جنگی کشور به پایان نرسد، رژیم نتواند تا نسبت به اقدامی که در اقتصاد دین را کشور گشایی پیدا آورد، مبادرت کند. همانا شدن جنگ و لیبسیج جنگی که همه کشور را به خدمت خود در آورده، همچنان مهم ترین اقدام اقتصادی رژیم و شرط مقدم فر فرم موثر است.

امریالیسم آمریکا که همواره در صدبیره تیری وسیع تر از ادا به تنسج در خلیج بوده و هشت سال گذشته به بهانه "استمدا" سیوخ خلیج برای "حاکمین کشتیرانی"، به لشکر کشی اشکا در خلیج فارس دست زد. آمریکا علی رغم آنکه قطبنا مه ۵۹۸ را رسماً پذیرفته بود، ولی در عمل نیروهای نجا و زکار خود را در منطقه خلیج به شدت افزایش داد و خلیج فارس را با نیروهای آمریکا بسی و متحدین نا توی آمریکا قرق کرد.

طی یک سال گذشته، نیروهای متجاوز آمریکا بی چندین بار علیه نیروهای ایرانی وارد جنگ شده اند. رازنا ن آمریکا بی چندین بار به تاسیسات نفتی کشور ما و نیرو دریایی ایران حمله کرده و خسارت جانی و مالی زیادی به بار آورده اند. در اثر اقدام جنایتکارانه این نیروها، فاجعه سقوط هواپیما مسافری ایرانی رخ داد و طی آن همه مسافران هواپیما، یعنی ۲۹۰ انسان بی گناه قربانی اهداف تجاوزکارانه دولت ریگان شدند. تا حنورا این نیروها در خلیج فارس ادا به دارد، چنین فاجعه ای با زهم ممکن است رخ دهد.

دولت ریگان که از ادا به جنگ در جهت تحقق استراتژی "با زگردا نیدن آمریکا" و نیز تقویت موقعیت و نفوذ امپریالیسم و ارتجاع در منطقه، جدا کنبره بر داری را کرده بود و در این راستا به همه گونه اقدامات تجاوزکارانه دست زده بود، از جنیدی پیش که ادا به جنگ بدون دورنما، توجیه نا پذیر و با مخالفت گسترده جهانی روبرو شده بود، گوشه جنگ را در جهت تحقق منافع و پیشرفت نقشه های امپریالیسم آمریکا در منطقه، مها روظف کشتند و راه پیشرفت استراتژی "با زگردا ندن ایران" بس از جنگ را نیز هموار سازد. در این راستا دولت ریگان با اعمال فتا رنظامی علیه رژیم در خلیج فارس در عین عوت رژیم به مذاکره و معامله با آمریکا، جمهوری اسلامی را بسوی نزدیکی بیشتر با غرب سوق داد و در این جهت تا وگان آمریکا بی در خلیج را علیه نیروها و تجهیزات ایران وارد جنگ نمود. تلاش های دولت ریگان در اثر خیا نتکاری سران رژیم و به ویژه شخی خمینی با موفقیت همراه شد. اکنون سران رژیم در پاسخ به مطالبات امپریالیستی و برای حفظ رژیم منط خود، روابط رژیم و غرب را با شتاب ترمیم می کنند.

خونریزیهای امپریالیستی در خلیج، امنیت منطقه را به خطری نداد و عامل تهدید ادا به کشورهای خلیج و از جمله کشور ما است. حضور این نیروها به معنای نقض اشکار ادا به ۵ قطبنا مه ۵۹۸ شورا ای منیت است. اکنون که رژیم نطنطنه ما و آتش بس بی قید و شرط را پذیرفته و دیگر هیچ دستا ویزی برای ادا به حضور نیروها و انا تو آمریکا در خلیج فارس باقی نمانده است، بسوی نیروهای خارجی در اسرع وقت خلیج فارس را ترک کنند و امنیت دفاع از آزادی کشتیرانی را به کشورهای خلیج وا گذار کنند. با یدهم کشورها و محام بین المللی نقض شخ قطبنا مه ۵۹۸ از سوی دولت ریگان را محکوم کنند و آن دولت را مجبور کنند که به نوبه خود به اجرای قطبنا مه ۵۹۸ گردن نه و نیروهای متجاوز خود را به فوریت از خلیج فارس خارج سازد.

کشا کش درون هیات حاکمه

رفقا!

صف آرای درونی هیات حاکمه در فاصله دو بلنوم، سیما ی با رهم آشکارتر به خود گرفت و اختلافات دسته ها و باندها و جناح های هیات حاکمه حادث را زهر زمان بروز نمود.

در این فاصله، مهم ترین تحول در مبارزات جناح ها در درون حکومت و دگرگونی درون هیات حاکمه، تحولات مربوط به جانشینی خمینی است. روند انتقال قدرت که از ما هیا قبل آغاز شده بود، با انتصاب رفسنجانی به کفالت فرما ندهی کل قوا از سوی خمینی به اوج خود رسید. انتصاب رفسنجانی در عمل راه قطع جنگ را گشود و این امر به نوبه خود موقعیت رفسنجانی را در مقابل منتظری که از ادا به جنگ و از دگرگیری با آمریکا پشتیبانی می کرد، با زهم تقویت کرد. بس از برقراری آتش بس و نتایج ناشی از انتخابات فرما ندهی مجلس سوم، می توان گفت که در شرایط فعلی جانشین واقعی خمینی رفسنجانی است. هر چند که منتظری هنوز از نظرسنجی فتا نونی جانشین خمینی محسوب می شود، در اینگونه منتظری موقعیت سابق خود را از دست داد. خمینی و رفسنجانی بیشترین نقش را ایفا کردند. اکنون موقعیت رفسنجانی در "بطنه با جناح ها و دسته بندی های حکومت و نظراً نسبت بسوی، امکان ناشی بیده می آورد که او بر بی بهره گیری از آنها بتواند در صورت رهبر حکومت پس از خمینی و ندر هریک جناح درون حکومت برآمد کند.

تحکیم موقعیت رفسنجانی به مثابه فردا و حکومت بس از خمینی در مختمات فعلی رژیم، به معنای پایان منازعات درون حکومتی پیرامون جانشینی نیست. این منازعه همواره یکی از موضوعات جدی مبارزه درون هیات حاکمه بوده است. چندان بیش مبارزه بر سر جانشینی به طور عمده بین رسالت و "خط امام" جریان یافت. آن زمان رسالت از یک شورای متشکل از فقهها و "خط امام" از منتظری حمایت می کردند. آن مبارزه با انتصاب منتظری فروکش کرد. زمینه دور بندی مبارزه بر سر جانشینی، زمانی بیده آمد که رفسنجانی با صلاح دید خمینی و هبری زدوبندیهای با ریگان راه دست گرفت. ولی این زدوبندیها توسط اطرافیان منتظری انشا گردید. ایسن دور مبارزه جانشینی تا مدتها به صورت مبارزه بینان و آشکار قدرت بین منتظری و رفسنجانی ادا به موا هدیافت.

روندا انتقال قدرت در هیات حاکمه و با نظارت خودا و صورت می گیرد. خمینی برای حفظ جمهوری اسلامی پس از مرگش، در این اواخر همه قدرتش را به کسار انداخت تا همه پیروان رفسنجانی و رفسنجانی متعهد شود. در پی این تصمیم خمینی، هراس از آینده رژیم و نگرانی از دگرگیری شدید دسته های درون حکومت بس از مرگ او، نهفته است.

علاوه بر مبارزه برای جانشینی، بارزترین جلوه های اختلافات درون حکومت در فاصله مور دگرگوش، اعدام مهدی هاشمی، صدور فتاوی خمینی در حمایت از دولت و مجلس در برابر شورای نگهبان و جریان رسالت، تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، انتخابات مجلس سوم و حوادث بعدی آن، شکل گیری یک جریان در هیات حاکمه بود.

انحلال حزب جمهوری اسلامی در خرداد ماه ۶۶، ضربه ای بود علیه رسالت و به سود جریان مخالف آن، انحلال حزب پس از سرکوب جریان مهدی هاشمی که از سالها پیش از جانب رسالتی ما طالع شده بود، مورت گشت. بس از انحلال حزب، در تکمیل سرکوب جریان مهدی هاشمی رهبران اعدام گردید. این هردو رویداد، موقعیت جریان رفسنجانی را علیه رسالت و نیروهای انا جناح مخالف رسالت که در راه زدوبند رژیم آمریکا مواضع بیده می آوردند، تقویت کرد.

در این راستا، صرف هزینه‌های کم‌رشدن نظامی، که بیش از ۵۵ درصد بودجه کشور را شامل می‌شود، از منابع عمده بازسازی است. ما دام که بسیج نیروی انسانی برای مقابله با مداخله نظامی قطع نشود و همه‌جا را جوانانی که می‌خواهند طرح جنگ بسج شده و از زندگی و کار سازنده اجتناب می‌کنند، به عرصه‌های فعالیت اقتصادی، اجتماع آموزشی بازنگردند، اما مکان‌های اقتصادی دیگر، از مواد اولیه و کالاهای اساسی کم‌رشدن و بویژه نیروی متخصص و کادر فنی از مدار سیاست و اقتصاد جنگی خارج نشود و در جهت بازسازی و ترمیم اقتصاد جنگ زنده سوق نیابد، سخن گفتن از بازسازی اقتصاد دیکتاتور، دروغ و فریبی بیش نیست.

بازسازی مناطق تخریب شده در عین حال مستلزم بسیج امکانات ملی استفاده از امکانات بین‌المللی است. اکنون بسیاری از دولت‌ها و شرکت‌های امپریالیستی مرشد مدگدا به عقد قراردادهای غارتگریانه، بازسازی را وسیله کسب سودهای میلیاردری و فرا تراژان، کسب امتیازهای سیاسی و تشدید وابستگی اقتصادی ایران قراردهند. بازسازی وقتی مفهوم واقعی خواهد داشت که در جهت رشد موزون اقتصاد کشور و در راستای تأمین استقلال اقتصادی صورت گیرد. بهره‌گیری از امکانات بین‌المللی، بدون رعایت حقوق و منافع ملی کشورمان، بی‌تردید در خدمت انقیاب دهرچه بیشتر اقتصاد کشور به انحصار ملی و دولتی‌های امپریالیستی و تشدید شکاف‌ها و نابرابری‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. از این رو باید در برابر عقد قراردادهای غارتگریانه و تشدیدکننده وابستگی اقتصادی کشور ایستاد و آن را فاش کرد.

علاوه بر شرکت‌های امپریالیستی، سرمایه‌داران بزرگ کشور، گیلان تا حران و مقامات بالایی حکومتی نیز، به بازسازی بعنوان عرصه تازه‌ای از غارتگری و ثروت اندوزی می‌نگرند. گردانندگان رژیم که چیهیب‌های گشاده برای خود خوانده‌اند، می‌خواهند سهمی از بازسازی را به دستگیران و بازسازی را از طریق افزایش مالیات‌ها و انواع اخاذی‌های دیگر، بدوشت مردم بی‌اندازند هم‌چنان‌که مخارج کم‌رشدن جنگ را بر زمینگشان تحمیل کردند.

باید بی‌شک در راه‌های بازار و دست‌اندرکاران حکومتی که طی ۸ سال جنگ، جیب‌های گشاد خود را با غارت مردم پر کرده‌اند، بخشی از هزینه‌های بازسازی را از طریق پرداخت مالیات‌های کلان تا زمینگشده، بازسازی باید در خدمت تأمین رفاه مردم و بهبود وضع زندگی آنان باشد.

مسأله ایجاد اشتغال، یکی از معضلات حاد جامعه ما است. بازسازی و ترمیم اقتصاد جنگ‌زده باید در خدمت پاسخ‌گویی به آن قرار گیرد. بیکاری مسأله‌ای است که ده‌ها میلیون شهروندان ما را تهدید می‌کند. در جریان جنگ بیش از یک میلیون نفر از هم‌بیشتران ما آواره شهرهای دیگر شده‌اند. آنها خواهان بازگشت به شهرها و روستاهای خود و تأمین مسکن و تغذیه مناسب هستند. بودجه‌های بازسازی باید صرف زندگی اقتصادی بویژه عرصه‌های اشتغال زا ذکر شود. نباید اجازه داد که بودجه‌های بازسازی در عرصه‌های غیر تولیدی و غیر ضروری صرف شود. باید دولت موظف شود بطور همه‌جا نهم به‌ارگان جنگی جهت اسکان و اشتغال کمک نماید.

جنبه قابل‌تذکر دیگر در بازسازی اقتصاد جنگ‌زده، نوسازی صنایع جنگ‌زده کشور و مدرنیزه کردن آن است. بسیاری از واحدهای موجود صنعتی مستهلک شده و در سطح حداقل کارایی قرار گرفته‌اند. شمارگیری از واحدهای تولیدی نیز برای تولید جنگ افزار و وسایل جنگی دیگر، خط تولیدشان را طی سال‌های اخیر تعمیر داده‌اند. صنایع کشور، بویژه بخش‌های مستهلک شده و آسیب‌دیده باید نوسازی شوند و خط تولید واحدها در جهت رفع نیازهای مردم و ترغیب و آبادانی کشور تغییر کند. نوسازی نه تنها نباید وابستگی صنایع به مواد خام و کالاهای وارداتی را تشدید کند، بلکه باید در جهت تحجیم صنایع کشور به تکنولوژی پیشرفته و در راستای تأمین استقلال اقتصادی انجام گیرد.

باید بر نقش کارشناسان، مهندسان، متخصصین و مدیران اقتصادی مترقی و ملی در بازسازی اقتصاد جنگ‌زده و آبادانی کشور تأکید ویژه نمود. رژیم آخوندی طی چند سال، هزاران تن از هوپوانان متخصص ما را از ادارات و موسسات تصفیه یا زندانی کرده و یا به‌ترک کشور و آذین شده است. بازگشت این میجران به میهن، آزادی از زندان و تأمین شغل و امنیت آنها، از ملزومات نوسازی اقتصاد جنگ‌زده و در جهت استقلال اقتصادی و آبادانی کشور است.

با توجه به هزینه‌های عظیم بازسازی، بخودی‌خود، درآیندخت بین‌المللی عمده‌ترین منبع درآمد ارزی کشور، سهم با زهم بیشتری در اقتصاد کشور خواهد داشت. چنان‌که این درآمد صرف‌فوری ترین و اساسی ترین عرصه‌های بازسازی کشور، جوامع و موثری در بازسازی اقتصادی برداشته خواهد شد.

احیای کشاورزی در مناطق جنگ‌زده، در گرو بازسازی بیش از ده هزار روستا و ویران شده و حمایت همه‌جا نهم دولت از روستاییان جنگ‌زده است. بازسازی و کمک به روستاها باید زیر نظر کمیته‌های منتخب روستاییان انجام گیرد.

طی هشت‌سال جنگ و ده سال حکومت جمهوری اسلامی، خسارات مادی و معنوی‌ای که به مردم و کشور ما وارد شده، آن‌چنان عظیم است که تنها ترمیم خسارات مادی، مستلزم صرف ده‌ها میلیارد تومان و تلافی چندین ساله است. چنین کار عظیمی تنها در شرایطی میسر است که مردم با علاقه واد و طلبا نهم در این کار شرکت کنند. این حقیقت بی‌انکار آن است که مبارزه مردم بسیاری انجام بگیرد و موثر و نهم بازسازی اقتصاد جنگ‌زده، در راستای استقلال اقتصادی و آبادانی کشور و بهبود زندگی مردم، بیش از هر چیز با مبارزه علیه رژیم آخوندی، برای آزادی و تأمین حقوق دمکراتیک مردم پیوند دارد.

آزادی مردم ترین شعار جنبش

در حالی که جنگ قطع شده است، آیا سران رژیم به فرم‌های معینی دست می‌زنند؟ صرف نظر از نیت سران رژیم، عوامل عینی و نیرومند، انعام فرم‌های معینی را به ضرورت عینی تبدیل کرده‌اند. قبل از همه اکثریت مردم املاحات را ردیکال، بردا نمودمکراتیک را طلب می‌کنند. مردم خواهان فرم‌های را دیگال در جهت تأمین منافعشان بوده‌و هستند. این مطالبات سالهاست که از جانب رژیم‌به‌پهانه‌های مختلف به‌ویژه به‌خاطر ادامه‌نهمیکسب باید شده است. رژیم در برابر خواسته‌های همه‌جا نهم مردم، به‌زور و سرکوب متوسل شده است. اکنون که جنگ به پایان خود نزدیک می‌شود، و "توجه" جنگ نیز از میان می‌رود، مطالبات آزادی مردم جدی‌تر از گذشته مطرح می‌شود و مبارزه در راه آن شدیدتر خواهد شد. وضع زندگی مردم هیچ وقت به این شدت وخیم نبوده است. ادامه این وضع نمی‌تواند برای سران رژیم نگرانی آوروهرای فرین نباشد. امروز وضع رژیم آسیب‌پذیر شده، لذا نارضایتی‌های فراوانی برای سران رژیم پیش‌از گذشته اهمیت یافته است. نارضایتی همگانی یک عامل عینی است و نمی‌تواند در تصمیم‌گیری‌های سران رژیم انعکاس نیابد. علاوه بر آن حاکمیت فقها، عامل ایجاد اختلال در رشد سرمایه‌داری است. روستا و ساختار سیاسی حاکمیتش الزامات رشد سرمایه‌داری است. روستای قرون وسطایی حاکم مطالبات جامعه سرمایه‌داری ایران را می‌کشد و مطلوب نمی‌دهد و لذا این دو انجام برخی فرم‌ها را الزامی می‌کند. همچنین بر این واقعیت عینی که ما لها جنگ، فحان، دین‌سالاری و توسعه‌طلبی در جهت "مدور انقلاب اسلامی" جمهوری اسلامی، را آسیب‌پذیر ساخته و آینه رژیم را مورد سؤال قرار داده، نیز باید تا کنده کرد. تمکین ناگهانی و شتاب‌آلود خمینی به قطع جنگ، در حالی که اعتقادی به صلح نداشت، قبل از همه به دلیل احساس خطر از آینده رژیم بود. برای خمینی، حفظ این رژیم به‌لید از هر چیز دیگر مهم‌تر است.

اگر سران رژیم به املاحات اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی معینی دست بزنند، آنرا با هدف تعدیل بحران اقتصادی و اجتماعی و سود و تضمین حفظ آینده جمهوری اسلامی انجام می‌دهند. چنین املاحاتی طبیعتاً مردم را را دیگال نبوده، ماهیتاً بورژوازی هستند. فرم‌هایی که مستوران سران رژیم بوده‌و انگیزه آن نیز حفظ رژیم باشد، ممکن است نتایج و بویا‌های حاکم با سرمایه‌داری را تعدیل کند، اما به هیچ وجه قادر نخواهد بود که متفادخلقی را رژیم را حل کند. علاوه بر آن این گونه فرم‌ها، استدادهایی را نیز زایل نمی‌کند. رژیم جمهوری اسلامی، رژیمی ضد خلقی و استبدادی است. تا زمانی که این رژیم حاکم است، مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم، مبارزه برای گرد آوردن همه نیروها و شخصیت‌های مترقی و آزادی خواه و صلح دوست که خواهان سرنگونی رژیم هستند، در یک جبهه گسترده باید ادامه یابد. بهره‌گیری از فرم‌های احتمالی برای بسج مردم در مبارزه علیه رژیم نه تنها نافی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نیست، بلکه لازمه آن است. سازمان باید از اصلاح و تحول مثبت در واقع کشور برای بسج مردم و تقویت حضور و مواضع خود در میان آنان بهره‌گیرد. طرح خواست‌ها و شعارهای ملموس و توده‌ای، بسج مردم حول این شعارها، متشکل کردن مبارزه آنها برای واداشتن رژیم به انجام این گونه خواسته‌ها برای ارتقای آماج مبارزه توده‌ها و ماده کردن آنان برای سرنگونی رژیم، میسر تر شده است. از این رو باید بر خواسته‌ها و شعارهای آزادی‌جو حقوق دمکراتیک مردم و تأمین حقوق بشر، تأمین امنیت، لغو تقیص، عقاید و تأمین آزادی عقیده و وجدان، تأمین حق کار، تأمین آسایش و رفاه زحمتگان و غیره بیش از پیش تأکید شود و برای تبدیل این شعار و خواسته‌ها به آماج مبارزه توده‌ای تلاش و کوشش مضاعفی صورت گیرد. در راه دستیابی به این آماج‌ها، سازمان آماده همکاری و اتحاد عمل با همه سازمان‌ها، احزاب و نیروها و شخصیت‌های مترقی کشور است.

فلاکت اقتصادی رژیم

رفقا! اقتصاد میهن ما در آستانه ورشکستگی کامل قرار گرفته است. شماری از واحدهای صنعتی کشور تعطیل شده‌و با حداقل ظرفیت تولیدی خود کار می‌کنند. صنایع کشور به شدت مستهلک شده‌اند. کاهش درآمد ارزی از نخست اقتصاد کشور و بویژه صنایع را با دشواری بیشتر و بی‌سر و پر کرده است. بخش مهمی از صنایع کشور به صنایع نظامی تبدیل شده‌و با محصولات آنها در خدمت جبهه‌های جنگ قرار گرفته است. ۲۵ در صد روستاها از ساکنین آن تخلیه شده‌اند. مهاجرت توده‌ای روستاییان هم‌چنان ادامه دارد.

در طول ۸ سال جنگ، سرمایه‌های انبوهی از بودجه کشور صرف هزینه‌های جنگ و ارگان‌های سرکوبگر رژیم شده است. در شرایط کاهش قیمت نفت و کاهش درآمد ارزی، تأمین چنین هزینه سنگینی، از طریق افزایش سرسام‌آور مالیات بردار و زحمتگان و مزد و حقوق بگیران و جاب‌اسکافی بدون پشتوانه تا زمین شده است. قیمت‌ها مدو و افزایش یافته و به اعتراف مقامات رژیم، تورم به بیش از ۳۵ درصد رسیده و زندگی زحمتگان طاقت فرسا شده است. تشدید گران‌ی تورم، بیکاری چند میلیونی، برانده شدن هر چه بیشتر نیروی کار از عرصه تولید به فعالیت‌های انگلی و نازل خدماتی، صنایع مستهلک و قضاوت‌زکا و افتاد، گشاورزی تخریب شده، بی‌برنامگی، کسری شدید بودجه، تمرکز سرمایه‌های نجومی در دست تجار بزرگ با زور و فساد، قوه خود مردم، آوارگی میلیون‌ها هوپوان ما در حاشیه شهرها و... تصویری از فلاکت اقتصادی کشور و ورشکستگی آن است. مسئولیت این فاجعه ملی بر عهده خمینی و هم‌دستان اوست.

بحران و فلاکت اقتصادی که عامل مهمی در ناگزیری رژیم از پذیرش آتش‌بس بود، در حدی است که سران رژیم ناچار از جاره حویب هستند. اکنون که جنگ قطع شده، بازسازی اقتصاد کشور در برابر سران رژیم قرار گرفته است. بازسازی اقتصاد کشور امر ناگزیری است. مسأله با اهمیت این است که ساز سازی با کدام سمت‌گیری و به‌سود کدام نیروهای اجتماعی باید صورت گیرد.

بازسازی اقتصاد جنگ‌زده و ترمیم مناطق تخریب شده کشور

لازمه بازسازی اقتصاد جنگ‌زده و ترمیم مناطق تخریب شده، علاوه بر قطع جنگ، پایان دادن به حالت جنگی در کشور است. هر چند اینک میان ایران و عراق آتش‌بس برقرار شده است، اما در کشور هم‌چنان وضعیت جنگی کم‌کم ما ست هنوز چرخ اقتصاد جمهوری اسلامی بر محور "سیاست نوین اقتصاد" که همان سیاست اقتصاد جنگی است می‌گردد. بدون کنار گذاشتن سیاست اقتصاد جنگی و در پیش گرفتن یک سیاست اقتصادی غیر جنگی و متعارف، اقتصاد جنگ‌زده را نمی‌توان بازسازی کرد.

رتقا!

در حالی که تحول اوضاع کشور طی یک سال گذشته در سمتی توسعه یافت کسب جمهوری اسلامی را در ضعیف ترین موقعیت تاکنون خود قرار داده است و این سه شدت آسیب پذیر کرد، اما متأسفانه پراکنگی در جنبش انقلابی کشور ما منع از بهره برداری آن از موقعیت بی نظیر کنونی شده است. در این شرایط کسب وجود لائبرالیست و برابری بر رژیم به شدت ضروری شده، دورنمای تشکیل آن هنوز روشن نیست.

طی این مدت "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملی ایران" و "نهضت آزادی" به رهبری بازرگان از یک سو، جبهه ملی و سایر محافل بورژوا لیبرالی در خارج از کشور از سوی دیگر، فعالیت خود را تشدید کردند. جمعیت فوق و "نهضت آزادی" و فاداری خود را به قانون اساسی رژیم اعلام کرده و به شیوه قانونی نیز مبارزه می کنند. این امر منبسطیونند این جریان با برخی جریان های درون حکومت باعث شده است که "علیرغم تعرضات گاه و بیگاه رژیم علیه آنها، در مجموع می توانند" قانونی" قانی بمانند و به طور "علنی فعالیت خود را ادامه دهند. اپوزیسیون قانونی با استفاده از این موقعیت خود، تلاش کرده می کند که مواضع خود را تقویت کند. این اپوزیسیون با استفاده از ابزاران رژیم و حمایت گسترده محافل لیبرالی در داخل رژیم و خارج از کشور برای سوار شدن بر موج ناراحتی گسترده مردم از رژیم فعالیت خود را گسترش داده است. راست ترین محافل غیر مذهبی اپوزیسیون لیبرالی رژیم در خارج کشور، در پی جلب همکاری محافل میثقی امشروطه خواهان با این اپوزیسیون هستند. محافل معتدل سلطنت طلب نیز گاه از برخی اوضاع به سود خود ما یوس اندوازیسات آمریکا در تحکیم مناسبات با جمهوری اسلامی به ویژه در عیاب حقوقی سیاسی خمینی منبسط می باشند، این همکاری را رد نمی کنند. این محافل از تقویت مواضع اپوزیسیون قانونی استقبال می کنند و به آن امید بسته اند.

تحوالات یک سال گذشته کشور، به ویژه تحول اوضاع جنگ، سازمان مجاهدین خلق را در برابر دشواری های بسیار قرار داده است. این دشواری ها قبیل از همه ارتکبه مجاهدین خلق بر حمایت مدام در مبارزه علیه رژیم خمینی ناشی می شود. حلقه مرکزی در این دشواری ها، بن بست در اعتراضات سنجک رهایی بخشین از قطع جنگ است. این دشواری با تعرض نا سنجیده مجاهدین به اسلام آباد تشدید شده است. ما قبلاً به همه نیروهای مترقی در در کشور ایران و عراق هشدار داده بودیم که در مبارزه علیه رژیم کثرو خود، ارتکبه بر حمایت رژیم دیگر برهیزند. متأسفانه هشدار مستولانه ما، مورد توجه قرار نگرفت و خطرات ناشی از این گونه اتحادها با رژیم های مرتجع دست کم گرفته شد.

طی یک سال گذشته، نیروهای ملی در کردستان ایران در شرایط دشواری قرار گرفتند. حزب دمکرات کردستان ایران منشعب شد. اشتقاق در حزب دمکرات مورد بهره برداری رژیم قرار گرفته و هماهنگی رزمی نیروهای جنبش ملی را گناهان داده است. درگیری این دو نیرو در تنهایی با عقل سلیم و منطق بیگانه است، بلکه با اوضاع کردستان پس از جنگ نیز در تضاد قرار دارد. چرا که رژیم پس از زاری های از جنگ با عراق، نیروهایش را روانه سرکوب جنبش ملی در کردستان خواهد کرد. همچنان که رژیم مدام پس از برقراری آتش بس جنگ علیه نیروهای کرد عراق را تشدید کرده و آنها را در معرض شدیدترین سرکوب ها قرار داده و هزاران تن از مردم کرد را از خانه و گاه خانه خود آواره کرده است. در چنین شرایطی نیروهای جنبش ملی خلق کرد در هر دو کشور، نه تنها با بدخوف خود را در مبارزه علیه رژیم سرکوب گراکم بر کشور خود فشرده تر می کنند، بلکه با بد در مبارزه علیه رژیم های هر دو کشور نیز به یاری هم شتابانند.

سازمان با تمام امکانات علیه جنایات وحشتناک و دمدمشانه رژیم مدام علیه خلق کرد عراق اعتراض می کند. سازمان از هیچ کوششی در حمایت از مردمی که تحت ستم جلادان یعنی قرار گرفته اند، فروگذار نمی کند و تقویت و همبستگی با مبارزه مردم کردستان عراق را وظیفه میرم خود می شناسد. منافع خلق کرد در مصالح عمومی مردم کشور ما اقتضای آنست که منصف نیروهای جنبش ملی خلق در صورتی که در هر دو کشور، به اشتباه با یکدیگر و با همه نیروهای مترقی کشور بیگانه راه پیشرفت و تقویت جنبش ملی خلق کرد و تقویت مبارزه سراسری علیه رژیم است.

در یک سال گذشته در مناسبات میان نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی تغییر مثبت و در خروجی پدید نیامده، میان نیروها همچنان عمده قوای خود را در راه خنثی کردن یکدیگر و نیز در راه حل مشکلات درونی خود متمرکز کرده اند. مشکلات درونی هر کدام از آنها مانع از آن شده که آنها بتوانند با همه نیرو و امکاناتی که در اختیار دارند، در صحنه سیاسی کشور خروفعال شوند. همین مشکلات به سهب خود، از نزدیکی و همکاری میان این نیروها در راه آماج های مشترک که بسیار وسیع و پربار است، جلوگیری کرد.

اوضاع کشورهای بی است

رتقا!

این بررسی ها موید آن است که رژیم، در اثر ادامه هشت سال جنگ، بحران اقتصادی، جنگ قدرت در درون هیات حاکمه، اختناق و سرکوب، تئوکراسی، و ناراضی بی همتا، در ضعیف ترین موقعیت خود قرار گرفته و به شدت آسیب پذیر شده است. تحت تاثیر این عوامل، اوضاع کشورهای بی است رژیم تلاش دارد، با ادامه و تشدید سرکوب، این بحران را مهار کند و اوضاع کشور را در کنترل خود نگه دارد. نتیجه این تلاش رژیم، خروج یا عدم خروج رژیم از موقعیت آسیب پذیر کنونی اش، سمت تحول اوضاع کشور، به میزان زیادی به تحولات در نیروهای اپوزیسیون ترقی خواه رژیم بستگی دارد. به این بستگی دارد که رژیم نیروهای ملی جنبش ترقی خواه کشور، در سمت شکل دادن به لائبرالیست متحد کننده همه نیروهای مدافع صلح، آزادی و سرتنگونی رژیم مبادرت می کند یا خیر.

امروز همکاری و اتحاد عمل همه نیروهای مترقی مدافع صلح یا یسدار و آزادی خواه کشور در راه آماج های مشترک و تا مین اتحاد آنها در یک جبهه وسیع برای سمت دادن به اوضاع و روندهای بی است کشور، اهمیت جدی یافته است. در این راستا سازمان می کوشد همکاران همه این نیروها تا مین شود و اتحاد آنها در یک جبهه وسیع شکل بگیرد. هدف این جبهه، سرتنگونی رژیم و ولایت فقیه (جمهوری اسلامی)، تشکیل دولت موقت، تا مین آزادی و حفظ صلح و فراتر دادن مجلس موسسان است. همه احزاب، سازمان ها، جنبش ها، جمعیت ها، شخصیت های مترقی، صلح دوست و آزادی خواه کشور که رژیم سلطنتی رژیم ولایت فقیه را رد می کنند، و اهداف این جبهه را می پذیرند، می توانند در آن شرکت کنند. شیوه های متفاوت مبارزه، مانع از شرکت این نیروها در جبهه نیست.

در شرایط کنونی این نیروها می توانند در جبهه شرکت کنند. حزب نبود

سلول های انفرادی کشیده است. جان بسیاری از فرزندان دلاور خلق در خطر جدی است. رژیم تبهکار خمینی قصد دارد زندانیان سیاسی ما را گروه گروه، بی سر و سامان سربسته کند. سران رژیم فرمان اعدام های بدون محاکمه و دسته جمعی زندانیان سیاسی را علناً و رسماً صادر کرده اند.

اعدام های گروهی تازه به دلیل ترس سران رژیم از آینده خود به قصد حفظ بقای این رژیم صورت می گیرد. رژیم برای مرعوب کردن مردم و زهرچشم گرفتن از آنان، و جلوگیری از گسترش اعتراض و مبارزه میلیون ها نفر - هموطن ما علیه رژیم است که به ترور خونخواهران زندانیان سیاسی متوسل شده است. موج جدید ترور و ستم خمینی در ماه های اخیر، زمانی شروع شد که شکست رژیم در جنگ بر ملا شد و به موازات نمایان تر شدن درم ننگی و زبونی رژیم و تسلیم خمینی حانی به خواست و اراده صلح خواهان مردم گسترش یافت. هنوز سیل خون جبهه قطع نشده، قتل عام مبارزان راه صلح، آزادی و رهایی ایران توسط رژیم شروع شده است. برای مقابله با این وحشی گری ها، باید همه خلق، همه سازمان های مترقی کشور شوند و برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران اقدام و عمل مشترک را سازمان دهند.

در این مدت ترور و ستم خمینی تعدی از زیاده ترین رفتار ما را از میان ما ربود. در خرداد ماه ۶۷، رفیق انوشیروان لطفی، عضو صاف و رهبران سیاسی کمیته مرکزی، تهران ایستادگی در زندان های رژیم و انقلابی نامدار ایران را به شهادت رسانید و مناجاتش جاودانه شد. رفیق انوشیروان لطفی، شخصیت نامدار جنبش انقلابی ایران طی مدت پنج سال شکنجه های مرگ بار رژیم دمدمش خمینی را با دلاوری تحمل کرد. طی این سالها او در هیئت مبارز گریه به پیچیده شد. اما سران خلق و سازمانش، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را از دستبرد رژیم دشمن خلق مصون داشت. او در راه مردم بین خویش جان خود را نثار نمود. خود یک سال و چند ماه قبل از شهادت، رفیق علی رضا اکبری شاندریز، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان، در پی رژیم به پنج سال اسارت، در همدان افسندماه ۱۳۶۵ به دست جنایتکاران رژیم شهید شده بود. او را به خاطر مدافع کردن سازمان از اشتهای رژیم علیه فداییان خلق به شهادت رساندند. او در راه خدمت به سازمان از جان گذشت و سنت بیگانه رتاییان جان فداییان خلق را به سهم خود زنده نگه داشت. در هر ماه ۶۶، رفیق قهرمان محمود زکی پور، یکی از گاد های برجسته و برسان سازمان، رفیقی که دودمه در جنبش بیگانه کرده بود، به همراه شماری از زندانیان سیاسی دیگر به شهادت رسید. رفیق محمود، چهار سال در زیر شکنجه های رژیم با مردانگی تمام ایستاد و در برابر برونی گری های درخیمان خم برابر و بیباور بود. ربودن محمود از سازمان مردم، داغ ننگ و نفرین دیگری بر پیشانی خمینی جنایتکار است. در شاه زهترین اعدام گروهی رژیم در ۲۹ تیر ماه ۶۷ یکی از گاد های برجسته سازمان، یکی از مسئولین واحدهای سازمان در داخل کشور، رفیق قهرمان فرامرز صوفی به شهادت رسید.

رفیق فرامرز با خطریا بیداری در مقابل درخیمان و پیاپی بندی بد آرمسان خود اعدا م کردند. به همراه رفیق فرامرزش تن دیگر از فرزندان دلاور مردم نیز به شهادت رسیدند.

طی این مدت رژیم خود را، در چندین نوبت و در هر بار، دهها نفر سراز مبارزین راه صلح و آزادی را به شهادت رسانید. رژیم جنایتکاران همه آنان را بر ملا نکرده است. در میان این شهادت، نام رفیقان توده ای سعید آذرنگ کادری سابق، قهرمان، فاطمه مدرس کا، در برجسته، کبوتر زینسان عضو کمیته مرکزی و رفیق انوشیروان ابراهیمی عضو هیات سیاسی حزب توده ایران و نیز نام تعدادی از اعضای سازمان مجاهدین خلق شکار شده است. در مرداد ماه، با نژده تن از اعضای سازمان مجاهدین در مقابل چشمان مردم در استان باختران به دار آویخته شدند. اکنون رژیم به هیانه درگیری مردم مجاهدین با نیروهای رژیم در غرب کشور، نقشه پلید خود را در انتقام گیری از آنان و دیگر اعضای سازمان های مبارزین را اجرا گذاشته است. خبرها حاکی است که حکم اعدام ۵۵ تن از زندانیان سیاسی و بسته به سازمان های سیاسی مترقی مورد تأیید پیدار گاه های رژیم قرار گرفته و هر روز شمار زندانیان بی سر و سامان به جاسرا گذاشته می شود. رژیم برای جلوگیری از درز جنایات خود در زندان ها، ملاقات زندانیان و اولین راه مدت دوماه ممنوع کرده است.

زندانهای سیاسی ایران در معرض انتقام جویی شدید رژیم قرار گرفته اند. هر روز که می گذرد شمار دیگری از آنان به شهادت می رسند. علیرغم این شرایط خفقان بار، شیران دربند ایستاده اند و در برابر رژیم دمدمش به عقاب نمی گذارند. در ماه اخیر زندانیان اولین علیه دمدمش رژیم را اعتبار عیب کردند و اعتصاب غذای آنان ادامه داشت. بیاضیم، و در برابر ولایت فقیه و ایستادگی زندانیان سیاسی، در برابر بیامردی و جنایات رژیم، بیانه خون گذشته خلق، در محرام و گرامی داشت یاد همه فداییان شهید و پیوسته شخصیت نامدار و فرزند کبیر خلق، رفیق انوشیروان لطفی سر تعظیم فرود آورید.

رتقا!

اعدام های دسته جمعی رژیم در ماه های اخیر، اولین جنایت خمینی و همداستان تبهکار و نسیبده و آخرین از نسیبخواهد بود. رژیم نه فقط انقلابیون و مبارزان راه بطور گروهی سربسته می کند، بلکه حتی اپوزیسیون قانونی حضرت امام را نیز از زحرفی مصون نداشت است. سران این رژیم خونخوار حتی یاره تن خود را نیز به جوخه اعدام سپرده اند. خون ریزی های رژیم در این فاصله مدلی می کنند که سرکوب رژیم شدید تر شده و دایره سرکوب نیروهای مخالف نیز گسترش یافته است. این امر قبیل از هر چیز با موقعیت آسیب پذیر رژیم مربوط می شود. خمینی و همداستانش برای رهایی جمهوری اسلامی از بحران و از موقعیت آسیب پذیرش، خفقان و سرکوب را به طبعی سوری بی سابقه ای گسترش داده و می دهند. این امر، مطالبه و مدافعه آزادی را به مساله میرم حیات می جنبش دمکراتیک کشور تبدیل کرده است. آزادی شعار وسیع ترین نیروهای دمکراتیک جامعه است. امروز که جنگ قطع شده، آزادی به عمده ترین و میرم ترین نیاز جنبش تبدیل شده است.

در مبارزه برای آزادی، مقابله با بیگانه دشمنان و اعضای سازمانهای انقلابی و مترقی و به ویژه مبارزه با خطریا جان زندانیان سیاسی ایران حائز اهمیت ویژه است. اگر دست جلادان رژیم با اتحاد همه نیروهای خواهان آزادی همکاری آنان در حمایت از زندانیان سیاسی، در کمک به خاندانها و شهادت، در جلب حمایت جهانی از نجات زندانیان سیاسی قطع نشود، خسوف آزادی خواهان با زهر ریخته خواهد شد. همکاری و همگامی همه نیروهای دمکراتیک کشور در راه آزادی زندانیان سیاسی و نجات جان آنها، قدم واقعی در تا مین اتحاد این نیروها برای نیل به صلح و آزادی و سرتنگونی رژیم خون ریز خمینی است.

آرایش نیروهای سیاسی کشور در شرایط کنونی

موهومات، خرافات مسموم کرده است، سران رژیم همچنان سعی دارند که بسا علم‌ستیزی، کثافت‌ها و القای خرافه پرستی، شعور و آگاهی را به بند کشند، مردم را تحقیر کنند و از مسریمبارزه علیه رژیم جبهه و جور آخوندی منحرف کنند. سلطه ففاهت بر فوآ و نشین و آرا ده کشور باغ بیشترت جامه ماست، و باید با تمام وجود علیه مبارزه کرد. اهمیت این مبارزه تنها به خاطر آن نیست که جمهوری اسلامی، بسک رژیمم استبدادی آخوندی است، بلکه به این لحاظ نیز هست که در حال حاضر بخشی از نیروهای اسلامی جنش ضد رژیم نژاد پرستی استقرار نوع دیگری از حکومت مذهبی به جای رژیم کنونی هستند. در این راستا سازمان ضمن تاکید بر حق مردم در انتخاب آزادانه عقیده و مذهب، هم چنان بر شعار جدایی دین از دولت و مبارزه برای تحقق این شعار تاکید می‌کند. سیاست سازمان، هم چنان متوجه آن است که مبارزه و مقاومت مردم علیه تحمیلات ارتجاعی و تقشیش عقاید متشکل شود و آگاهی آنان تا نفع کامل هر نوع رژیم مذهبی ارتجاعی با بسند، وضع کنونی رژیم و ارزیابی واقع بینانه از اوضاع آتی کشور با نگرآن است که رژیم در برابر این ارزیابی و مبارزه مردم و سازمان های مترقی در این راستا به عقب نشینی های معینی تن خواهد داد.

رفقا!

پس از قطع جنگ و آغاز مذاکرات دو کشور برای حل اختلافات از طریق سیاسی نیز، مردم همچنان ملج با بد را طلب می کنند. تجربه هشت سال جنگ و ویرانگری سپه بوده، مردم رابه معتقدان ثابت قدم ملج یا بد را تبدیل کرده است. ما همچنان وظیفه داریم مردم را برای جلوگیری از تفرق آتش بس توسط دو رژیم و پیشروی آنها در راه استقرار ملج با دوام بسیج کنیم، چرا که نفع آتش بس و اخلاص در مذاکرات آغاز شده از سوی هر دو رژیم عراق و ایران واقعی است. رژیم عراق قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر نمی پذیرد و جمهوری اسلامی نیز بسیج نیرو و گسیل مردم به جبهه ها؛ متوقف نگردد، بسیج و حالت جنگی در کشور ما مختومه اعلام نشده است. طرفین باید قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را امینا مذاکرات ملج قرار داده و به حالت جنگی و تحریک علیه یکدیگر با یان دهند و همداختلافات فیما بین را از طریق مذاکرات ملج جویانه حل و فصل کنند. همه این واقعیت ها بسا نگرآن است که مبارزه برای استقرار ملج با بد را تبدیل ایران به عامل ملج در منطقه، همچنان از مهم ترین وظایف فداییان خلق ایران و همه نیروهای ملج دوست کشور ما است.

مبارزه در راه زودن همه آثار نرنکت با رجنگ آزندگی مردم، جزء مبارزه در راه استقرار ملج با بد را تسهیل کننده پیروزی آن است. سازمان در راه زودن و این آثار، خواهان آن است که بازگشت بدون پیگیری خانواده هایی که به خاطر نجات فرزندان و جوانان خود، سر بازان نظ میمان و همه کسانی که به خاطر مخالفت با جنگ وطن خویش را ترک کرده اند، تا میسر شود امنیت کامل آنان تضمین گردد. همچنان سازمان خواهان آن است که بیکر همه انسا، در جده دارن، سر بازان و سپاهانی که به خاطر بچیم تمکن به سیاست ها و فرامین جنگی تحت تعقیب قرار گرفته اند و همه مشمولانی که به دلیل آرزوتن به سر بازی و جبهه سر با زده اند، فور و سما خا تسه باید، فنرا و محدودیت های گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی علیه مخالفان جنگ ملنی اعلام شود. در طی هشت سال جنگ، بیش از یک میلیون تن از هموطنان ما در مناطق جنگی، آوار ه شهرهای دیگر شدند. اکنون آنها و بهر هزار و سوا ها ز می گردند، در حالی که زمین های سوخته و خانه های ویران انتظار آنها را می کشد و هشت سال آوارگی نیز آهی در ساط آنان باقی نگذاشته است، مسئول این وضع سران رژیم هستند. سازمان خواهان پرداخت خسارت به آنها از سوی رژیم است. خواهان آن است که هزینه زندگی خانواده هایی که نان آرزو و سرپرست خود را در این جنگ کثیف از دست داده اند، توسط رژیم تأمین شود. رفغی سر درنگ تعقیب مخالفان جنگ و کمک همه جانبه به آسیب دیدگان، درخواست فوری بخش بزرگی از مردم ما است.

سیاست سازمان متوجه آن است که مردم این گونه حقوق خود را بر رژیم با ستانند. **رفقا!** یکی از نتایج نکت با رادامه جنگ و سیاست های رژیم، تحمیل یک زندگی طاقت فرسا به زحمکنان مبین ما است. زندگی زحمکنان هیچ گاه مثل امروز افسا با رنیده است. در اثر جنگ و سیاست های رژیم، صدها هزار نفر، به طور دسته جمعی از کار اخراج شدند و چند میلیون نیروی کار جدید پیدا کردن کار محروم شدند. امروز یک ارتش چهار میلیونی از بیکاران بوجود آمده است. بیکاری توده های به توبه خود، زندگی مردم را وخیم تر کرده است. مردم زحمکنی برای رهایی از این وضعیت خواهان کار، رفاه و عدالت اجتماعی می سوده و هستند. در مبارزه برای رفاه و عدالت اجتماعی، مبارزه برای تأمین حق کار برای بیکاران، تصویب و اجرای یک قانون کار مترقی جای ویژه دارد. سازمان بارها اعلام کرده است که با همه اخراج شدگان به سر کار خود بازگردند بیمه بیکاری با شرایط مناسب سازمان با زکشت به کار برودا شد و کاشف نشون کار و تأمین اجتماعی مترقی به طور دمکراتیک تدوین، تصویب و به اجرا گذاشته شود.

مبارزه در راه رعایت حقوق بشر، امنیت قضایی مردم و تأمین حقوق دمکراتیک آنان، تأمین حق ایجاد سازمان های اجتماعی و صنفی توسط همه مردم، از عناصر ثابت سیاست سازمان در مبارزه به خاطر تأمین آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم است. اگر نیروی کافی برای تحقق این خواسته ها بسج شود، رژیم هیچ چاره ای جز عقب نشینی در مقابل فشار مردم نخواهد داشت. تبدیل این خواسته ها به شعار و مطالبه توده های میلیونی و متشکل کردن مردم حول آنها، وظیفه مهم دیگر ما در شرایط کنونی است. برای موفقیت در مبارزه به خاطر آزادی، فشرده شدن صفوف مردم و اتحاد همه سازمان های مترقی کشور ضروری است. فداییان خلق سا لیا است که برای تأمین نیاز تعدادی رزمند. امروز که جنگ قطع شده و آزادی جوقی دیگرانیک مردم عیول ترین نیاز و شعار جنبش دمکراتیک کشور شده است، تدارک اتحاد همگانی حول شعار آزادی، علیه رژیم از هر وقت دیگر ضروری تر شده و مبارزه فداییان خلق ایران و همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور در این راستا اهمیت بیشتری یافته است.

رفقا!

عرصه مهم دیگر فعالیت فداییان خلق ایران، مبارزه علیه تحمیل افکار و سخن منجر و سطره شرع بر زندگی مردم، حیات جامعه و دولت است. تلاش برای ارتجاعی قضایی حاکم برای تخریب افکار ریوسیده خود به زندگی خصوصی مردم همچنان ادامه دارد. این سطره جویی کور، گرچه در جامعه و در عرصه تحمیل خرافه پرستی و تاریک اندیشی بر نشون زندگی مردم، با نکتت ها و ناگامی هایی روبرو شده، اما در عرصه تداخل دین و دولت و در اداره دستگاه دولتی همچنان به قوت خود باقی است. این تلاش های هیستریک نه تنها بسا اعتراض زحمکنان ایران روبرو شده، بلکه بخش های معینی از بورژوازی کشور را نیز معترض کرده است.

تفتیش عقاید و تحمیلات ارتجاعی رژیم، حق انتخاب آزادانه نحوه زندگی، حق آزادی عقیده و وجدان را از مردم سلب کرده و فضای جامعه را بشهر

ایران، فداییان خلق ایران (پیروسیا نیه ۱۶ آذر)، حزب دمکراتیک مردم ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران (را ه کارگر)، نیروهای سازمان چریک های فدایی خلق ایران (اقلیت)، حزب دمکرات کردستان ایران (کومله)، نیروهای جنبش ملی سا بر خلقیا، جبهه دمکراتیک ملی ایران، سازمان محامیان خلق ایران و دیگر نیروهای «شورای ملی مقاومت» همه ما عضویت های دموکرات که اهداف جبهه را میبپذیرند، نهضت آزادی و جمعیت دفاع آزادی و کامیت ملت ایران و سایر جریانات مشابه با پذیرش اهداف این جبهه، متواضعند در آن شرکت کنند.

سازمان در مناسبات خود با این نیروها، از اصول همکاری و احترام متقابل، استقلال و عدم مداخله، و برابری حقوقی بیرونی می کند. در عین حال سازمان ضمن بایبندی به این اصول، اشتباهات آمیز متحدین و تبلیغ مواضع خود را حق غیر قابل بحث خود می شناسد.

سازمان در راه متحد شدن این نیروها در جبهه گسترده و در راستای آن، آماده است که حول آماج های مشترک و مورد توافق با این نیروها به همکاری و اتحاد عمل دویا چند جانبه دست بزند.

بیگاری برای سرنگونی و تأمین آزادی، ملج با بد را و عدالت اجتماعی

رفقا!

در ماه های اخیر، سران رژیم ایضا در کوب و خفقان رابه طوری ساته ای افزایش داده اند. در شهرها، گشتل، با زرسی و با زجویی خیابانی هموطنان ما به امروزه و عادی تبدیل شده است. ارگان های سرکوب رژیم به منظور سر با زگیری، دستگیری مشمولین و سر بازان فراری و بازداشت فعلی بسن سازمان های انقلابی، مناطق مختلف شهرها را محصور می کنند، با بریسن را با زرسی و با زجویی می کنند و هر فردی را که مایل باشد ندا زداست می کنند. قانون شکنی و امنیت ستیزی ارگان های سرکوب سی حدود مرز شده است. هیچ گاه مثل امروز، مردم ما احساس عدم امنیت نگردد اند.

له تیزاً اقدامات سرکوب سگانه رژیم متوجه زندانیان سیاسی است. مطابق آخرین اخبار و اطلاعات در لحظه کنونی یک کشتار واقعی در زندان های کشور در جریان است. اعدام ها در حدی است که شهیدی خلق را در کوره ای جمعی بسه خاک می سپارند. اعدام های جمعی و بدون محاکمه کنونی زندانیان سیاسی، با جنایات رژیم در سال ۶۶ قابل قیاس شده است. سیاست سر به نیست کردن زندانیان سیاسی مقاومت ایران، نگرانی، اعتراض و نفرت خانواده های زندانیان سیاسی، سازمان ها و نیروهای آزادی خواه کشور ما را برانگیخته است.

جنگ نگران کننده زندانیان سیاسی و تشدید سرکوب، به ویژه در شرایط قطع قطع و گنوده شدن جبهه انداز ملج، مبارزه برای آزادی های سیاسی و نجات جان زندانیان سیاسی را در راس وظایف نیروهای ترقی خواه و مردم کشور ما قرار داده است. در شرایط کنونی، آزادی میرم ترین نیاز سوده مردم، همه سازمان ها، نیروها و شخصیت های مترقی کشور است. سازمان تلاش می کند که این نیاز را به خواست و شعار وسیع ترین نیروهای اجتماعی کشور تبدیل کند.

در مبارزه برای آزادی، مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی کشور از اهمیت ویژه برخوردار است. فداییان خلق و همه آزاد و خواهان انسان دوستی با پیدا هرا مکانی که در اختیار دارند و به هر طریق که مناسب تشخیص می دهند، تلاش کنند که فشار شکنجه و کشتار زندانیان قطع شود. باری همداخته به خانواده شهید، زندانیان سیاسی، مفقود شدگان، بازمان دادن مبارزه آنها، انعکاس مبارزه زندانیان و خانواده ها عا نیا، بسک اقدام مبارزه در راه نجات فرزندان اسیر خلق است.

یکی از عناصر ثابت سرکوب رژیم، بیکر دویا زداست اعضا و فعالین سازمان های مترقی ایران است. مقابل با این بیکر دها، از طرزومات مبارزه برای آزادی است. قدم اول در مقابل به مورثا این بیکر دها، مطلع کردن فعالین جنبش از مراقبت ها و توطئه های حواسن رژیم و کمک به آنها برای رهایی از دستگیری، از سوی مردم است. این کار مردم، در عین حال یک اقدام مورثی بسگرایانه برای جلوگیری از شکنجه و اعدام فرزندان آنها در زندان های رژیم است. بدون کمک و ترکت مردم نمی توان سیاست سرکوب سازمان های انقلابی توسط رژیم را با نکتت روبرو کرد. هرا ایرانی آزاده، شریف و انسان دوست و وظیفه دار که به فرزندان مبارز خلقی در مقابل بیکر د سرکوب رژیم باری رساند. آگاه کردن مردم به نقشی که در این زمینه می توانند ایفا کنند، یکی از وظایف فوری ما در مبارزه برای خضی کردن توطئه های سرکوب رژیم است.

مبارزه در راه رعایت حقوق بشر، امنیت قضایی مردم و تأمین حقوق دمکراتیک آنان، تأمین حق ایجاد سازمان های اجتماعی و صنفی توسط همه مردم، از عناصر ثابت سیاست سازمان در مبارزه به خاطر تأمین آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم است. اگر نیروی کافی برای تحقق این خواسته ها بسج شود، رژیم هیچ چاره ای جز عقب نشینی در مقابل فشار مردم نخواهد داشت. تبدیل این خواسته ها به شعار و مطالبه توده های میلیونی و متشکل کردن مردم حول آنها، وظیفه مهم دیگر ما در شرایط کنونی است. برای موفقیت در مبارزه به خاطر آزادی، فشرده شدن صفوف مردم و اتحاد همه سازمان های مترقی کشور ضروری است. فداییان خلق سا لیا است که برای تأمین نیاز تعدادی رزمند. امروز که جنگ قطع شده و آزادی جوقی دیگرانیک مردم عیول ترین نیاز و شعار جنبش دمکراتیک کشور شده است، تدارک اتحاد همگانی حول شعار آزادی، علیه رژیم از هر وقت دیگر ضروری تر شده و مبارزه فداییان خلق ایران و همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور در این راستا اهمیت بیشتری یافته است.

عرصه مهم دیگر فعالیت فداییان خلق ایران، مبارزه علیه تحمیل افکار و سخن منجر و سطره شرع بر زندگی مردم، حیات جامعه و دولت است. تلاش برای ارتجاعی قضایی حاکم برای تخریب افکار ریوسیده خود به زندگی خصوصی مردم همچنان ادامه دارد. این سطره جویی کور، گرچه در جامعه و در عرصه تحمیل خرافه پرستی و تاریک اندیشی بر نشون زندگی مردم، با نکتت ها و ناگامی هایی روبرو شده، اما در عرصه تداخل دین و دولت و در اداره دستگاه دولتی همچنان به قوت خود باقی است. این تلاش های هیستریک نه تنها بسا اعتراض زحمکنان ایران روبرو شده، بلکه بخش های معینی از بورژوازی کشور را نیز معترض کرده است.

تفتیش عقاید و تحمیلات ارتجاعی رژیم، حق انتخاب آزادانه نحوه زندگی، حق آزادی عقیده و وجدان را از مردم سلب کرده و فضای جامعه را بشهر

علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام، با خیزیم!

پیام بلنوم به زندانیان سیاسی

رفقا! و همزمان دریند
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پرشورترین دروهای خود را بنام شما می کند. شما که در شرایط فوق دشوار شکنجه گاه ها و سیاهال های رژیم با یامردانه مبارزه و مقاومت می کنید، دریکی از حساس ترین شرایط تاریخ میهن ما، نقش بی بدیل در دفاع از آرمان های مترقیانه مردم و حفظ شرف انقلابی زندهگان خلق ایما می نمایید. امروز مبارزه شما تنها مقنا و مست ساد جسم و روح در برابر اشراف و شکنجه نیست، مبارزه ای است بویچیده در انطقاق با شرایط بیچیده سیاسی حاکم بر کشور و با ساختن است نایسته به نیاز جنبش انقلابی خلق.

پاران زندانی
تشدید شکنجه و اعدام انقلابیون دریند. صوج خونی که هم اکنون در زندان های خمینی به راه افتاده است، کشتار جمعی زندانیان سیاسی، برپا بیسی گورهای دسته جمعی در گورستان های تهران و شهرستان ها، خشن ترسین جلوه تشدید ترور و اختناق در لحظه کنونی است. کشتار گروهی انقلابیون در درون و بیرون زندان ها که همزمان با تحمیل آتش بس به رژیم صورت می گیرد، تنها یک اشتقاق کسوی گور فقیهای جنگ برست از مردم ملج دوست کشتور نیست. این اقدام تبهکارانه مشخص یک حرکت سیاسی از جانب رژیم و حاکمی از بیم آن از آبنده است.

رژیم بعد از شکست به آتش بس با موحی از مبارزات مطالباتی مردمی و روبرو است که کار، نان، آموزش و امنیت و آزادی می خواهد. خمینی که برای انبوه سؤالات و خواست های عادلانه مردمی که خونخواهی عزیزان از گرفتارنده خود بر می خیزند، با سخنی نذار د، جاره کار را در تشدید سرکوب و اختناق و نیز محروم گذاشتن جنبش از رهبران کار آزموده جستجو می کند.

زندانیان سیاسی نخستین و قابل تدسرس ترین قربانیان سیاست تبهکارانه رژیم اند. کشتار مسار زمین اسیر و گسترش آبنام دیگر دروا زداشت و شکنجه اهرمی است جهت ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه به قصد میار جنبش دمکراتیک توده ها و از طرف دیگر و تبقیه ای است برای جلب دوستی و اعتماد هر چه بیشتر قشرهای ارتجاعی و ارتکار محسسه و امیرالیست ها.

رفقا! و همزمان گرامی!

شما هم سنگران زندانی ما در چنین شرایط خطیر و بیچیده ای است که به بیگانه رتا به آخر خود در دفاع از صلح، آزادی و حقوق مردم زحمتکش تدا و می بخشید. این ایستادگی و رزم از راج بی باکی برخوردار است. بی جهت نیست که آواز بیگانه را در شما مرزها و کشور در نوید دیده و در صلح جهان طینی اوج گرفته و خاموشی ناپذیر یافته است.

سلطه استبداد مذهبی در میهن و بیورش دامن گستر گزمنگان رژیم به مردم، آزادی را در مقام نیساز مبرم جنبش و لاجرم بیگانه خاطر آزادی را به منابه حلقه نخستین جنبش خلق در دستور کار ما انقلابیون ترور داده است.

همان گونه که رژیم جان زندانیان سیاسی را آماج مقدم سیاست تشدید سرکوب خود قرار داده است دفاع از جان و حقوق زندانیان سیاسی نیزگانون اصلی مبارزه آزادی خواهان کشور است. برپایی اتحادهای وسیع بپرامون "آزادی" چه در درون و چه در بیرون زندان ها امروز ضرورت با زهم بیشتری برخوردار است. شما با بیگانه رمتحه خود در درون سیام جال های رژیم، بیثنگا مان و منادیان واقعی اتحاد عمل و وحدت صفوف بیگانه رگران راه آزادی و بهر روزی مردم هستید. رزم استوار شما در درون زندان ها با زتاب مبارزات توده ها است و اتحاد عمل گسترده شما در مقابل با دشمن مشترک پاسخی است درخور به نیاز جنبش.

پاران شما در بیرون از حصارهای زندان از شما می آموزند و در دفاع از جان شریف و پاک شما به جان می گویند. رزم و ایاداری شما از پشتوانه عظیم جهانی برخوردار است. رژیم سرکوب گروای تبقیه به دفاعات در نقض خشن حقوق بشروعدی به ان و حقوق زندانیان سیاسی از جانب سازمان ها و مجامع و انکارتسین المللی محکوم شناخته شده است.

مردم با ردیگر سرود خوش آهنگ "زندانی سیاسی آزاد با یگردد". را در ایران به بند کشیده طنین انداز خوا هند کرد. سرنگونی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی قطعی است. عزمتان استوار، رزمتان بیروز با د.

چاودان با دبا دقتیر ما نان شهید!
بمروز با دردم سترک زندانیان سیاسی ایران!
سترگون با در رژیم مستبد ولایت فقیه!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
شهریور ماه ۱۳۶۷

پیام کمیته مرکزی سازمان به اعضاء و هواداران سازمان در خارج کشور

فدایان خلق!
در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی همه امکانات خود را بکارگیرید.

افکار عمومی جهان را علیه کشتار زندانیان سیاسی ایران بیدار کنید.

رفقا!

در زندان های جمهوری اسلامی از بیگانه رتوندان در بند خلق جوی خون جاری است. رژیم خون آشام خمینی زندانیان سیاسی را گروه گروه به جوخه های اعدام می سپارد. کوجه ها و خیا بناها به منظور با زداشت سابق را جمعی در ترق با ساداران و مزدوران امنیتی رژیم خمینی است. برای ربودن ترزندان مردم را هزینه به خانه ها بیورش می آورند. زندانیان سابق را دوباره با زداشت می کنند و به شکنجه گاه ها می برند.

خاوران این کلزار به خون خفتگان، شاهد گورهای جمعی تازه ای است.

با همه امکانات و جمعتوان خود به آتش این جنایات برخیزید!

افکار عمومی جهان را علیه کشتار زندانیان سیاسی ایران بیدار کنید.

با بهره گیری از همه امکانات و بانام قوا برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران اقدام کنید.

علیه جنایات هولناک رژیم خمینی، در هر کجا که هستید، دستیارانه اندیشید، منت هسارا بیدار اعتراض برافرازد، فریادهای خشم طنین اندازید.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
شهریور ۱۳۶۷

پیام بلنوم به آزادبخواهان ایران

آزادی خواهان ایران! زندان ها را به خون کشیده اند، با خیزیم.

بسی از برقراری آتش بس رژیم خمینی می درنگ نقشه قتل عام زندانیان سیاسی سرکوب خونین همه مدافعان صلح و آزادی و ترقی راه اجرا گذاشت. اینک شیرهای ایران توسط سایبان رژیم قرق شده است. هجوم سراسری به خبا بانه ها و دستگیری گروهی نیروهای ملج دوست و آزادی خواه در جریان است. زندانیان آزاد شده را مجددا دستگیری می کنند. ملاقات زندانیان در تمام زندان های کشور ممنوع شده و راهی را چاکی از اعدام گروه گروه زندانیان سیاسی و بسته به اعدام های ترقی خواه مختلف و دفنی آنها در گورهای جمعی است. فقط طی مرداد ماه ۵ گور جمعی کشته حاکی از ه بار اعدام دسته جمعی زندانیان است.

پیام بلنوم به بزرگواران و دبیرکل سازمان ملل متحد

از کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت):

به: آقای خا و بریر ز دو گو شیار، دبیرکل سازمان ملل متحد

با ایران تنگروانی بسیار رشدهای علام می کنیم که در بی آتش بس در حربه ها، رژیم ایران جنگ کینسیف دیگری را علیه مردم شریف کشور ما آغاز کرده و به کشتار گروهی زندانیان سیاسی ایران بودن نیا نده آنها در گورهای جمعی مشغول شده است. اقدامات تبهکارانه اخیر رژیم ایران شامل موارد عمده زیر است:

- ۱- قرق شیرهای کشور توسط سایبان و نیروهای پلیس.
- ۲- کنترل شدید مکالمات تلفنی و مکاتبات مردم ایران با خارج از کشور.
- ۳- با زداشت گروهی مردم در خیابانها و تفتیش سراسری خانه ها و سیر کردن مردم با اتهامات جعلی.
- ۴- دستگیری مجدد زندانیان که دوره محکومیت خود را سیری کرده و آزاد شده اند.
- ۵- ممنوع کردن ملاقات زندانیان سیاسی و قطع رابطه زندان با خارج.
- ۶- نفوذا کلمات و سلب هرگونه امکانی برای دفاع متهمین از خود و صدور احکام به شوه دادگاه های حصرایی.
- ۷- اعدام گروهی زندانیان و دفن آنها در گورهای جمعی طی ماه اوت ۵ گور جمعی فقط در

پیام بلنوم به کمیته مرکزی حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه

به کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه و کمیته مرکزی حزب کارگر ترکیه

همزمان گرامی!

بلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با زداشت و محکومیت رفقا حیدر عدالت اجنای هستند، آشکار کرده اند. محاکمه رفقا کوتلو و سارگین که برای اشبات اراده مردم ترکیه در دفاع از آزادی و دمکراسی و عدالت بس کشور خود با زکشته اند، موج اعتراض نیروهای آزادی خواه و مترقی سراسر جهان را برانگیخته است.

اعتراض به ااد دگا های فرمایشی ترکیه، پشتیبانی و حمایت گسترده جهانی برای آزادی رهبران اجزاب کمونیست و کارگر ترکیه، دفاع از حق، عدالت، آزادی، شرف و وحدان بشری است.

رفقای گرامی!

همه اعضاء و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن ابراز همبستگی رزمجویانه با عزم و رزم شما، در هر نقطه جهان همچنان در کنار رها بی رهبران کمونیست ترکیه با همه نیرو و مشارکت فعال خواهند داشت.

بلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به رفقا کوتلو و سارگین که به خاطر دفاع از شرف و آزادی به بند کشیده شده اند، درود می فرستد و خواهان آزادی هر چه زودتر آنها است.

با بر فروغ ترین درودها
بلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
شهریور ۶۷

پیام بلنوم به آزادبخواهان ایران

آزادی خواهان ایران! زندان ها را به خون کشیده اند، با خیزیم.

بسی از برقراری آتش بس رژیم خمینی می درنگ نقشه قتل عام زندانیان سیاسی سرکوب خونین همه مدافعان صلح و آزادی و ترقی راه اجرا گذاشت. اینک شیرهای ایران توسط سایبان رژیم قرق شده است. هجوم سراسری به خبا بانه ها و دستگیری گروهی نیروهای ملج دوست و آزادی خواه در جریان است. زندانیان آزاد شده را مجددا دستگیری می کنند. ملاقات زندانیان در تمام زندان های کشور ممنوع شده و راهی را چاکی از اعدام گروه گروه زندانیان سیاسی و بسته به اعدام های ترقی خواه مختلف و دفنی آنها در گورهای جمعی است. فقط طی مرداد ماه ۵ گور جمعی کشته حاکی از ه بار اعدام دسته جمعی زندانیان است.

پیام بلنوم به گورستان خاوران که در جنوب شرق تهران واقع است

گورستان خاوران که در جنوب شرق تهران واقع است، کشف شده است. موارد فوق نموداری از تبهکاری های اخیر رژیم ایران است. بسیاری از مردم در خانه خود یا در کوجه ها و جلوشم بستگان و مردم عادی و در ملاء عام اعدام می شوند و بسیاری زیر شکنجه های طاقت فرساجان می سپارند.

آقای دبیرکل!

در زندان های ایران خون جاری است. مردم ایران توسط رژیم تبهکارانه خون کشیده می شوند. به نام مردم ایران، به نام میلیون ها ستم دیده ایرانی، به نام زندانیان سیاسی ایران که آماج اصلی جنایات رژیم واقع شده اند، از شما درخواست می کنیم، بی درنگ فاجعه ایران را بس اطلاع نمایندگان همه کشورها برسانید و برای قطع این شیگاری ها که برده حقوق و حرمت و حیثیت همه بشریت انجام می گیرد، هر چه سریع تر اقدام کنید. مردم ایران از همه ملل خواهان استارتدنگی برای جلوگیری از این قتل عام بشرستیزانسه می درنگ اقدام کند.

با احترام و با امید اقدام هر چه فوری شما
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۵ سیما مهر ۱۹۸۸

آدرس
P.O. BOX 1091 WIEN AUSTRIA

شهادت دو رفیق فدائی در کردستان

یاد رفیق حیدر مهرگان گرامی باد!

در روزهای گذشته فداییان خلق ایران (اکثریت) دوش از عزیزترین رفیقان خود را از دست دادند. رفیق فدایک روتقرمان "عمربرایی" فدایی خلق "عارف خلیفه زاده" در منطقه کردستان در جریان حملات وحشیانه رژیم جنایتکار مصلد امام به خلق دلاور کرد به شهادت رسیدند.

رفیق برایی (مأم علی) از آن کوهراهایی بود که هر یک از ما از وجود چنین رفیقای درخشان زمان به خود می یابیم. زندگی پر افتخار این فرزندان و کار به تمام، در خدمت مبارزه برای سعادت مردم ستمدیده ای بود که خود را زمین آنها بر خاسته بود. نخستین سال های کودکی را محروم از محبت خانواده گذرانده و سال های تحصیل را همراه با کار و مشقت بار اما وجودی که عطشان دانش بود علی رغم همه مشکلات، روزها کار می کرد تا غروب ها در کلاس درس حاضر شود. سال ۵۲ وقتی که سپاهی دانش بود، نخستین درگیری با رژیم شاه را تجربه کرد و پس از ۲ ماه بازداشت به یکی از روستاهای دور افتاده و محروم ترکمید. با ورود به دانشگاه که مانده بود و در صورتی که رفیق حیدر حیدرایی نظیر رفیق شهید هم مرکزگی بیانی، راه آینده خویش را برگزید. و هم در دانشگاه و هم در کلاس های دانش مدرسه، مأم علی مبلغ پرشور سازمان بود و از سازمان کنشگران مبارزه نخستین و دانشجویان شهر، در روزهای بزرگ انقلاب بهمن به شهر زادگاهش (سقز) رفت و در هدایت مبارزات توده ها، نقش برجسته بر عهده گرفت. مردم سقز قرا موثی نمی کنند و روزهای راکه شهرشان را مزدوران رژیم خمینی کلوله مبارزان می کردند، و آنها را به آوارگی در شهرهای مجاور می رانند. در این روزها رفیق عمر در مقام مسئول می رانده و آوارگان، روز و شب پروا نوازی می کنند تا اندکی از درد مردمی بکاهد. پس از گذشتن بوش رژیم به صفوف کمونیست های ایران در اردیبهشت ۶۲، مأم علی در سنگر کوه های بلند کردستان به پناه گرفت و تا لحظه شهادت در همین سنگر، دلاورانه

به بیگانه رادامه داد. مأم علی در کوه، با آن موهای سفید و چهره رنجیده و مردانه اش تجسم زنده ای از یک دلاور کرد جان برکف بود. از نزدیک تر که نظر را ش می کردید پس آن صورت موقر، دنیا بی از سرزندگی، نشاط و انرژی و ایمان به بیروزی می دیدی. وقتی که به ما موریت می رفت، جای خالی اش برای همه محسوس بود و وقتی که با زمی گشت حضورش پشت گرمی برای همه بود. وجودش در هر جمعی حسگرمی را می تاراند و خلوص و صفای باطنی، محیط پیرامون را زلال می می بخشد. انضباط، پشتکار و عشق عمیقش به مردم، سازمان و مبارزانش چنان بود که همه را به تحسین و امی داشت. هر جا که سخن از وظیفه ای دشوار و کاری مهم بود، بی تردید ما علی از جمله بود. نخستین داوطلبان بود. هر کس که او را دیده بود می گفت: با اشتقانی چون ما مملی می توانیم بزرگ ترین کارها را برای تدارک انقلاب کرد. مأم علی در لحظه شهادتش هیچ چیز از خود نداشت. برای او زندگی، خانواده و نامادنی در مبارزه ای خلاصه شد که سرانجام جان در راهش نهاد.

رفیق عارف خلیفه زاده که هنگام شهادت فقط ۲۴ سال داشت، از کسانی بود که سال های پرشور و جوانی را با انقلاب آغاز کرده بود. عارف از فعالین پیشگام سقز و از اعضای مؤثر سازمان جوانان فدایی کردستان بود. درو دیوارهای شهر سقز - که شعارهای سازمان با خط زیبای او بر آتش جان می گرفت - هنوز هم نشانه های از این جوان فدایی پرشور را بر خود دارند. رفیق خلیفه زاده هم از مبارزان ۶۲، در کوه به مبارزه خود ادامه داد و سرانجام در جریان شهادت رسید.

راکت به فداییان دلاور کردمان را گرامی می داریم، و اندوه فقدانشان را به شور و زور تبرای مبارزه در راه آرمان های انسان دوستانه شان بسدل می کنیم.

رفیق رحمان هاشمی منفرد (حیدر مهرگان) تا غز نویسنده، پژوهشگر و روزنامه نگار راندا و انقلابی کشور و غنای سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران زیر شکنجه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی جان سپرد.

رفیق هاشمی، با روحم سنگر رفیق شهید و سنگ نیرازی بود که مبارزه انقلابی علیه رژیم شاه را دوش به دوشی آغاز کرد. دوبار در سال های ۴۵ و ۵۰ گرفتار رژیم جنایتکار شد و دوبار از شکنجه گاه بیرون آمد.

رفیق مهرگان که از بنیانگذاران گروه آذرخش سازمان توده بود، در سال ۵۲ به حزب توده ایران پیوست. او محقق برجسته ای بود. استعداد و توانایی تئوریک او در تالیفات متعددش با زتاب یافته است. آثار هنری و ادبی اش بیوز به یاد نامه های است. برای رفقا گلبرگی و خنجر بی نوشته است، از آثار بر جای مانده در ادبیات انقلابی جنبش ما است. رفیق مهرگان به مثابه یک روزنگار آگاه و متعهد در مبارزه علیه رژیم شاه نیوز نقشی برجسته داشت. او که از سال ۵۲ معاون سر دبیر روزنامه انقلاب سردبیر کیهان بود، پسر تیرا از ترین روزنامه وقت کشور را با شجاعتی کم نظیر برای اشاعه اندیشه های مترقی و انقلابی به خدمت گرفت.

رفیق هاشمی دریلنوم هفدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران به عضویت هیات سیاسی حزب برگزیده شد تا لحظه دستگیری و ظایف سنگین شکلیاتی و سیاسی بر دوش داشت.

رفیق مهرگان، در دوش گال جلا در رژیم خمینی با بیاداری کرد و جان بر سر آرمان شرافتمندانه خویش نهاد.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) فقدان این رفیق ارزشمند را به همسروا خانواده اش، به رفقای توده ای و همه همزمانش صمیمانه تسلیت می گوید و یادش را گرامی می دارد.

پیام پیشگام بمناسبت اول مهر

کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران، به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۸ - ۶۷ به دانش آموزان و دانشجویان کشور پیام داد. بخش های یی از این پیام را نقل می کنیم:

" دانش آموزان و دانشجویان مبارزان! حکومت قهار درمدا انتقام کشی از جوانان ناست که از کمک کردن به جنگ امتناع کرده اند. اطلاعیه های ستاد کل فرماندهی قوا مجازات های سنگین و حتی اعدام برای مسئولانی که به خدمت بر سر ای رفته اند و یا از رفتن به جبهه و خدمت به جنگ سرباز زده اند را اعلام کرده است. مبارزه خود را علیه نشانه های سرکوب گرانه رژیم علیه مخالفان جنگ، گسترش دهید.

برای لغوی بگردها و محدودیت های ایجاد شده برای جوانانی که در مخالفت با جنگ از وطن خویش آواره شده اند، مبارزه کنید. هر گونه فشار و قوانین انتقام جویانه برای مهاجرین از وطن به دلیل جنگ جنایتکارانه یا بدملتی شود، یکن جوانان باید بدینگونه آزادانه به میهن خود مساز گردند و امانت شناسان تا مین شود...

امسال در شرایطی در کلاس های درس حاضر می شوید که مسئولین جمهوری اسلامی خود اعتراف می کنند هر ساله یک میلیون و ۶۰۰ هزار کودک در سن دبستان به مدرسه نمی روند... اینها همه در شرایطی است که تنها با هزینه بسیار کوچکی از هزینه ۸ سال جنگ خانمان براندازی می شد برای همه دانش آموزان مدرسه ساخت... وضع در دانشگاه های کشور نگران کننده تر است. سطح دانش و فرهنگ پیروزه دانش های مورد نیاز دنیا می معاصر، روز بروز پایین تر می آید... باید به دخالت "حوزه های علمی" در دانشگاه ها یا پان داد، برای بهبود وضع دانشگاه ها، راهی جز کوتاه کردن دست ارتجاع از دانشگاه و آزاد مستقر گشت دانشگاه ها و خودگردان کردن آنها.

گزینش دانشجو بر پایه معلومات علمی قسار نداد و در آستان بسیاری از جوانان مستعدیست در دانشگاه ها می مانند، با بد مبارزه برای انحلال "هیات های گزینش دانشجو"، لغو ضوابط ارتجاعی کنکور و سهمیه نهادن های ارتجاعی را گسترش داد. دانشجوین و دانش آموزان مبارزان، مبارزه خود را برای طرد و انزوا ی جاسوسان انجمن اسلامی در مراکز آموزشی کشور و انحلال این ارگان های جاسوسی و سرکوب گسترش دهید. علیه اختناق و خفقان و برای آزادی فعالیت سیاسی و اجتماعا در محیط های آموزشی، از جمله برابر

پیام یلنوم به کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق و جنبه نیروهای ملی و مترقی کردستان عراق

کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران، به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۸ - ۶۷ به دانش آموزان و دانشجویان کشور پیام داد. بخش های یی از این پیام را نقل می کنیم:

رفقا و دوستان گرامی! یلنوم کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) از شما رفیقان خود را از این جنگ هولناک رژیم تبهکار مصلد امام در کشور خلق کرد عراق اعلام می دارد. جنگ جنایتکار عراق که در طول سال های اخیر با گسترش رزها ران زن و مرد و کودک بی گناه کرد، بمباران های وحشیانه و بی سران کردن شهرها و روستا های کردشین، کوچاندن اجباری و تلافی برای غریبی کردن مناطق کردشین نتوانستند بر عزم و اراده استوار این خلق بیبا خاسته فائق آیند، اینک مدتی بجا نه تلاش می کنند که با کاربرد وسیع سلاح های شیمیایی به اهدا فر ضد نسانی خود دست یابند، اکنون بوش از پیش سر چنانی ان آشکار می شود که حکام فاشیست عراق رسماً سیاست "قوم کشی" را در کردستان پیش می برند، یلنوم کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) این جنایت فاشیستی را قاطعانه محکوم می کند و مراتب تمسک و همبستگی و همدردی عمیق خود را با شما و از طریق شما با خلق بیبا خاسته کرد عراق اعلام می دارد.

حقوقی دختران و پسران در همه عرصه ها، مبارزه و تلاش کنید. خواهان به رسمیت شناختن حق ایجاد تشکل های صنفی مستقل "در مدرسه و دانشگاه شوید، در هر فرصت مناسب برای طرح خواست های صنفی، علیه کمبود معلم و فضای آموزشی، معلمی بی صلاحیت و تارک اندیش، تشنه بدبختی و تحقیر و توهین، اخذ شهریه و هرتوج دیگر آذای درمدا رس، کمبود خوابگاه و کیفیت بدسلف سرویس ها، کمبود استاد، گران قیمت کتب و جزوه های درسی در دانشگاه مبارزه کنید.

از همه مکانات قانونی و ممکن برای تشکل دانشجوین و دانش آموزان، برای سالم سازی محیط و گسترش فعالیت های ورزشی، فرهنگی و علمی فوق برنامه، سودجویید.

دانشجوین پیشگام با بیدرجهت ایجا دو تحکیم هسته های مخفی دانشجوین با شرکت همه فعالین صنفی از کربلا تا گوناگون تلاش کنید. دانش آموزان پیشگام با بیدبها هنگی با سایر نیروهای مترقی و رعایت اصول پنهان کاری، به گسترش مبارزه شوهه دانش آموزان و سازمان گری ایمن مبارزات اقدام کنند...

پیام یلنوم به کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق و جنبه نیروهای ملی و مترقی کردستان عراق

کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران، به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۸ - ۶۷ به دانش آموزان و دانشجویان کشور پیام داد. بخش های یی از این پیام را نقل می کنیم:

دور رژیم ضد بشری مصلد امام و خمینی پس از قطع جنگ، تعقیب و کشتار رنبروهای انقلابی دو کشور کوب جنبش های ملی و مترقی را تشدید کرده اند، اگر رژیم فاشیستی عراق با بمب و کلوله و گازهای سمی صدها هزار تن از مردم کردستان عراق را کشته و محروم و آواره نموده، رژیم قرون وسطایی خمینی در انتقام از مردم ایران علاوه بر تدارک دور تا زهای از سرکوب و جنایت در کردستان ایران، به کشتار جمعی زندانیان سیاسی روی آورده است، دور رژیم مسابقه جنایت و آدم کشی را همچنان ادامه می دهند.

مردم ایران که همواره در مردم عراق در طول جنگ خانمان سوز ساله ماضی بی شماری را متحمل شده اند، به جنایت رژیم مصلد امام علیه خلق کرد با خشم و نفرت می نگرند و از قاطعانه محکوم می کنند. هم میهنان ما از مبارزات حق طلبانه خلق کرد عراق پشتیبانی می کنند و با آغوش باز اینها همدستان کرد را پذیرا شده، هر گونه کار شکنی رژیم جمهوری اسلامی در امور و بدینها همدگان در خاک ایران و هر گونه سوء استفاده از قربانیان تبهکاری مصلد امام را به شدت محکوم می نمایند.

رفقا و دوستان گرامی! یلنوم کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) نیز شما نند شما برای مبارزات که برای مقابله با سرکوب های وحشیانه دور رژیم علیه خلق کرد، تا مین و تحکیم اتحاد همه نیروهای جنبش ملی خلق کرد و مدافعان پیگیر حقوق ملی و دمکراتیک آن در هر یک از دو کشور و جدا همیت حیاتی است. تقویت همبستگی جنبش ملی خلق کرد در دو کشور برای خنثی کردن توطئه های دور رژیم و تلاش مشترک و گسترده نیروهای انقلابی و دمکراتیک هر دو کشور برای جلب حمایت افکار عمومی جهانی ضرورت مبرم دارد.

یلنوم با دیدگر کاربرد و جنبه سلاح شیمیایی و کشتار جمعی مردم بی دفاع کردستان عراق علیه دست رژیم مصلد امام را قاطعانه محکوم کرده، از همه نیروهای انقلابی و مترقی خواه ایران و عراق، از همه انسان های آزاده جهان و از همه محامین انسانی طلب می کند تا با هر مکانی که در اختیار دارند علیه "قوم کشی" در کردستان عراق مبارزه نمایند. و برای متوقف ساختن این جنایت هولناک که لکه ننگی بر دامن بشریت و علیه روند استقرار صلح پایدار میان دو کشور است، از هیچ کوششی فروگذار نکنند.

یلنوم کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) شهریور ۱۳۶۷

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!